

# فصلنامه اختصاصی مطالعات و مدیریت امرخیز

# آوازی ماندگار

وابسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء

شماره سوم / بهار ۱۳۹۸ / بهایا: ۲۰۰۰ تومان

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در آلمان  
 اشتراك گذاری دانش بین سازمان های داوطلبانه  
 عوامل مؤثر بر مشاركت زنان در امرخیز  
 نگاه حاکمیت به مشاركت زنان در امرخیز  
 زنان، نیکی و دردمندی  
 فساد در خیریه ها

## زنان و نیکوکاری

- پرونده این شماره:
- با آثار و گفتارهایی از:
  - سعید نوری نشااط
  - زهرا نژاد بهرام
  - محمد صالح طیب نیا
  - حوریه ربانی اصفهانی
  - اصغر وثوق
  - نسرین غنبر طهرانی
  - شوان صدرقاضی
  - و ...

فصلنامه اختصاصی مطالعات و مدیریت امرخیز / بهار ۱۳۹۸



- دانش خیریه
- مهارت خیریه
- کارآمدی خیریه

برای اشتراك فصلنامه به سایت بنیاد خیریه راهبری آلاء [ala.org.ir](http://ala.org.ir) / سامانه خیر ماندگار مراجعه فرمایید.

استغفر الله



هر ایرانی یک سیخوکار





# آوازی خیرینیکا

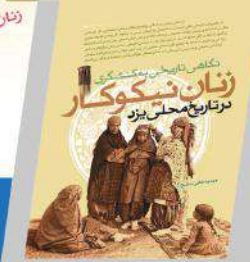
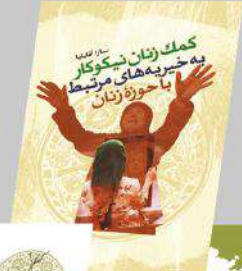
فصلنامه اختصاصی مطالعات و مدیریت امرخیر  
وابسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء  
شماره سوم / بهار ۱۳۹۸ / ۱۲۰ صفحه / ۱۰۰۰ نسخه

صاحب امتیاز: محمد صالح طیب‌نیا  
مدیر مسئول و سردبیر: علی ملانوری  
جانشین سردبیر: سید حسین سیدی  
مدیر اجرایی: پریسا علیویری  
طراح گرافیک: صادق جمالی  
طراح نام‌واره: حامد مغروری  
عکاس: محمد ضیایی

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):  
سارا آقابابا، علیرضا اکرامیان، صفورا جباری،  
زهرا خانلری، مهدیه خانی‌سانج، سیدمجتبی  
خیام نکویی، یدالله دلوند، حوریه ریائی‌اصفهانی،  
طاهره ظریفیان‌یگانه، عاطفه فراهانی، میلاد مرادی،  
هیوا هنرمند

تهران، ابتدای بزرگراه جلال آل احمد، بعد از پل نصر  
(گیشا)، شماره ۱۳۹ / تماس با ما: ۰۲۱۸۶۰۱۵۳۳۶

برای اشتراك فصلنامه به سایت بنیاد خیریه راهبری  
آلاء (ala.org.ir) / سامانه خیرماندگار مراجعه فرمایید



۳	سر مقاله / زنان، نیکی و دردمندی
۹	پرونده / زنان و نیکوکاری
۵۷	فساد در خیریه‌ها / بخش نخست
۶۵	نوآوری اجتماعی مفاهیم و رویکردها
	گفت‌وگو با شوآن صدرقاضی: پژوهشگر تحقیقات اقتصادی اجتماعی دانشگاه سازمان ملل
۷۰	آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در آلمان
۷۹	رکود اقتصادی و فعالیت‌های داوطلبانه
۸۶	استفاده از قلك، روشی بهینه برای جلب مشارکت‌های خرد
	گفت‌وگو با مهرداد طهماسبی؛ مدیر روابط عمومی مرکز کنترل سرطان آلا (مکسا)
۹۲	تأثیرات متقابل ژنتیک و محیط بر بروز صفات اخلاقی مرتبط با امور خیر از منظر علم و دین
۹۸	نشست‌های تخصصی خیر ماندگار / اشتراك‌گذاری دانش بین‌سازمانی در سازمان‌های خیریه
۱۰۶	تجربه‌های موفق ایده‌های نو / جمعیت شکرانه مهر نیکان
۱۰۹	معرفی کتاب / کتاب بهره‌وری در قلمرو وقف و امور خیریه / راهنمای عملی کارآفرینان اجتماعی
۱۱۲	مهرانه؛ تجلی شعور مسئولیت‌پذیرانه / گفت‌وگو با اصغر وثوق، مدیرعامل موسسه «مهرانه»
۸	عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در امر خیر
۱۴	کنشگری زنان در جوامع محلی / گفت‌وگو با سعید نوری نشاط؛ تسهیلگر جوامع محلی و روستایی
۲۲	نگاهی تاریخی به کنشگری زنان نیکوکار در تاریخ محلی یزد
۲۸	نگاه حاکمیت به مشارکت زنان در امر خیر / گفت‌وگو با زهرا نژاد بهرام؛ عضو شورای شهر تهران
۳۵	کمک زنان نیکوکار به خیریه‌های مرتبط با حوزه زنان
۴۲	جایگاه زنان نیکوکار؛ وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا
	گفت‌وگو با با تنی چند از فعالان و صاحب‌نظران زن در حوزه امر خیر
۵۰	گزارش تصویری دومین همایش و نخستین جشنواره ملی خیر ماندگار

محمدرضا پویافر  
استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه  
علوم انتظامی امین / فعال اجتماعی

زنان، نیکر  
سرمقاله

ودردمندی



آغاز این چند سطر در مورد نیکی، مقارن با آغاز سال نو و روزهای نیک اعیاد شعبانیه است. پس به جاست پیش از ورود به اصل سخن، فرارسیدن سال نو و همچنین اعیاد شعبانیه را تبریک بگویم؛ هرچند که شیرینی فرارسیدن نوروز، با تلخی آسیب‌ها و خسارت‌های سیل در شش استان کشور آمیخته و در کام مردم ایران، گس شده است. وقتی می‌خواهیم دربارهٔ زنان و کنش خیرخواهانه سخن بگوییم، این سخن باید بر بستر زمینه و زمانه باشد. مراد از زمینه و زمانه به‌طور ساده همان توجه به زمینه‌مندی اجتماعی است. وضعیت اجتماعی امروزی در جامعهٔ ایرانی برای زنان به‌طور کلی وضعیت متحول شده در حال بازتحول است. از یک سو با توسعهٔ آموزش‌های رسمی به‌ویژه آموزش عالی برای زنان، تصویر از زن و منزلت اجتماعی او در جامعه تغییر کرده است. متناظر با آن تصور و انتظار از نقشی که زنان از خود دارند (هویت زنانه) نیز در حال تحول اساسی است. اما تمامی این روایت، نشان‌دهندهٔ وجه مثبت ماجرا نیست. زنان امروز جامعه به همان میزان که مطالبهٔ استقلال عمل، جایگاه اجتماعی بهتر و امکانات و آزادی بیشتر در تحرک اجتماعی را تجربه می‌کنند، در یک احساس خلأ نسبی از رهاشدگی، از جاکنندگی نسبت به هویت سنتی تثبیت شده، به‌ویژه در خانواده، ناپایداری در موقعیت‌های اجتماعی را نیز تجربه می‌کنند. در نتیجه زنان امروز، به‌خصوص اگر تمایل به حضور بیشتر در عرصه‌های اجتماعی داشته باشند، ادراکی دوگانه از شیرینی نقش‌آفرینی بیشتر نسبت به نسل مادران خود و همزمان، تلخی مواجهه با انواع دشواری‌ها و ناامنی‌ها در برخی موقعیت‌های کاری را تجربه می‌کنند، طعم گسی که گاه آنها را به واکنش‌های متفاوتی وامی‌دارد. صرف‌نظر از انواع واکنش‌هایی که گاه منجر به تخریب موقعیت فرد در جامعه می‌شود، بخشی از این واکنش‌ها از سوی زنان، در کمک به رفع یا کاهش نیازها یا دردهای اجتماعی است. این واکنش‌های خیرخواهانه می‌تواند در یکی از حالت‌های زیر رخ دهد:

۱. وقتی زنی با حضور در فعالیت‌های مختلف به‌ویژه مواجهه با موقعیت‌های مردانه، احساسی آمیخته از ناخرسندی و ناامنی را تجربه می‌کند، ممکن است به‌سوی شکل‌دهی اجتماع زنانهٔ حمایتگر هدایت شود. این اجتماع زنانه، می‌تواند سازمان مردم‌نهاد حمایت از زنان آسیب‌پذیر یا موسسهٔ خیریهٔ حمایتی از زنان و کودکان باشد. چنین زنانی تلاش می‌کنند با شکل‌دهی گروهی که کنش داوطلبانه در آن، مستلزم هیچ احساس ناامنی یا معذوریت‌های اخلاقی و ارتباطی نیست، کارکردی مضاعف برای حمایت از هم‌نوعانی را نشان دهند که گاه آنها را هم درد خود می‌دانند. در واقع چنین زنانی، در تلاش‌اند تا محیطی امن برای فعالیت مؤثر اجتماعی زنان را فراهم آورند.





البته این گروه از زنان بنا بر منطق، در حداقل سطحی از پایگاه اجتماعی و اقتصادی قرار دارند که فراغت و آسودگی خاطر برای فعالیت‌های اجتماعی را داشته باشند.

۲. زنانی دیگر که احساس می‌کنند، هم‌نوعانشان دچار نوعی غفلت مردانه از امر زنانه هستند، تلاش می‌کنند تا برای نیازهای اجتماعی زنانی که کمتر به آنها توجه می‌شود، پای به میدان بگذارند. مسئله این گروه برخلاف گروه نخست، نداشتن محیط امن و وضعیت رضایت‌بخش برای نقش‌آفرینی مؤثر زنان نیست. بلکه آنها بیشتر دغدغه کمک و حمایت از زنانی را دارند که نیازمند حمایت و توجه بیشتر هستند. زنان سرپرست خانوار، زنان تحت خشونت‌های خانگی و زنان و دختران خانواده‌های بزه‌دیده بخشی از جامعه هدف این گروه هستند که زنان نیک‌اندیش داوطلب، به صورت فردی یا در قالب گروه‌های داوطلبانه و نیکوکار، برای حمایت اجتماعی از آنها وارد عمل می‌شوند.

۳. هرچه زنان بیشتر در جامعه حضور پیدا می‌کنند، تجربه مستقیم آنها از نیازهای مختلف و گروه‌های نیازمند نیکی نیز عمیق‌تر می‌شود. در نتیجه همان‌گونه که زن جامعه سنتی در شبکه‌ای از روابط اجتماع سنتی، افراد و گروه‌های نیازمند محله را شناسایی و به آنها کمک می‌کرد، در جامعه جدید نیز زنان فعال در عرصه اجتماعی برفضای جامعه اثرگذارند. آنها با شناخت برآمده از تجربه زیست روزمره در شهر، به مشارکت در فعالیت‌های نیکوکارانه و داوطلبانه برای پاسخ به بخشی

از نیازهای جامعه ترغیب می‌شوند. این نیازها نه تنها زنان یا کودکان، بلکه تمامی گروه‌های اجتماعی و تنوعی از اولویت‌های مختلف اجتماعی را شامل می‌شود. ۴. در نهایت، گروه دیگری از زنان هستند که در مواجهه با شرایط ناپایدار اجتماعی، راه‌حل را در یاری بیشتر در چارچوب دین، نهادها و نمادهای دینی می‌بینند. آنها گاه با نذرونیاز و پرداخت بخشی از مال خود برای صدقه یا موقوفات دینی، عملی صواب برای کسب ثواب و در جهت دغدغه دینی خود انجام می‌دهند. گاهی نیز در مساجد و هیئت‌های مذهبی برای حمایت از گروه‌های محروم کمک مالی یا مادی اهدا می‌کنند. در مجموع دغدغه آنها در جهت دغدغه دینی، کمک به رفع مشکلات از راه تقویت و حمایت نهادهای دینی و کمک به گروه‌های مذهبی و محروم است. البته ممکن است سنخ‌های دیگری از زنان کنشگر نیکوکار یا داوطلب هم بتوان معرفی کرد؛ اما سنخ‌های اصلی بر اساس انگیزش‌های برآمده از تجربه‌های زندگی اجتماعی در جامعه امروز در یکی از چهار دسته ذکر شده قرار می‌گیرند. انگیزه مشارکت زنان در فعالیت‌های نیکوکارانه و داوطلبانه را می‌توان در این موارد برشمرد:

۱. زیست‌زنان در جامعه شهری امروزی؛

۲. تجربه عمیق گاهی دردناک، از موقعیت‌های اجتماعی؛

۳. نیاز به همدلی و حمایت همدلانه از هم‌نوعان.

این سه مورد، سه ضلع مثلثی هستند که می‌توانند تبیین‌کننده انگیزه زنان در این قسم فعالیت‌ها باشند. آنها از یک سو درکی عاطفی و صمیمانه ترنسبت به محرومیت‌ها و نیازهای گروه‌های مختلف جامعه دارند. از سوی دیگر، مشارکت نیکوکارانه و کنش داوطلبانه، ارضاکنده تمایل آنها به نقش‌آفرینی مؤثر اجتماعی است. به‌ویژه در جایی که موقعیت‌های شغلی و اقتصادی می‌توانند مخاطرات یا نارضایتی‌هایی به همراه داشته باشند، فعالیت در بخش اجتماعی و مؤسسات خیریه همراه با نوعی رضایت خاطر و آرامش درونی برای زنان خواهد بود.

در نهایت این‌که مشارکت در فعالیت‌های نیکوکاری و داوطلبانه برای زنانی که خود، طعم محرومیت را چشیده‌اند یا در موقعیت‌های دشوار قرار گرفته‌اند، نمادی از همدلی و ابراز یگانگی با هویت و پیشینه زندگی است. آنها به این ترتیب اجتماع زنانه را در برابر نیازها، محرومیت‌ها و مشکلاتی که زنان را در بر گرفته یکپارچه نشان می‌دهند. این گروه گویی در مبارزه با این مشکلات، سلاحی نرم، همچون مشارکت در امور خیر و داوطلبانه را انتخاب کرده‌اند، سلاحی از جنس یکرنگی و در امتداد ماهیت عاطفی و احساس‌مادرانه موجود در نهاد خود.







### عوامل اقتصادی

- مهریه
- نفقه
- ارث
- درآمدهای اشتغال و فعالیت های اقتصادی

### عوامل خانوادگی

- میزان مشارکت اعضای خانواده در امر خیر
- تربیت
- والدینی اجتماعی

### عوامل فردی

- زمینه عاطفی-احساسی
- تقویت انگیزه
- سطح سواد
- سن

# عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در امر خیر

تلخیصی از مقاله محمد صالح طیب‌نیا و حوریه ربانی اصفهانی

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در امر خیر در پنج دسته عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بررسی می‌شود. شایان ذکر است که این عوامل در مشارکت مردان نیز مؤثر و در بعضی موارد مشترک است؛ ولی میزان تأثیرگذاری آن در زنان و مردان متفاوت است.

## عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه

### عوامل اجتماعی

- آموزش
- اختصاصی
- عمومی
- چهره‌به‌چهره
- فرهنگ‌سازی امر خیر
- اطلاع‌رسانی
- رسانه

### عوامل مذهبی

- مناسک
- مراسم
- ساخت ابنیه





## ۱. عوامل فردی

در خصوص عوامل فردی زمینه‌هایی وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

### ۱.۱. زمینه عاطفی - احساسی:

عواطف با تمام گونه‌های خاصیت حرکت‌زایی دارد؛ به عبارتی زندگی انسان‌ها در بسیاری از زمینه‌ها عرصه فرمانروایی احساسات است. قدرت حرکت‌آفرینی عواطف، دانشمندان را بر این واداشته است که تعامل احساسات و عقل را به دقت بررسی کنند. در زنان، بعد عاطفی نیرومندتر است و طبق تصدیق کارشناسان، احساسات در زنان به طور عام، شکوفا تر است. همین عامل زمینه مساعدتری برای فعالیت زنان در امور خیر را فراهم می‌کند.

### ۱.۲. تقویت انگیزه:

انگیزه‌ها که چراهای رفتاری هستند، دلیل اصلی عمل به شمار می‌روند. مشارکت زنان در انجام امور خیر نیز تحت تأثیر عوامل انگیزشی متفاوت است و در نوع و میزان آن تأثیر بسزایی دارد. این عامل در زنان بسیار متأثر از احساسات است. به عنوان نمونه، تأسیس خیریه محک با انگیزه حمایت از بیماران سرطانی، تحت تأثیر بیماری سرطان فرزند خانم قدس بوده است.

### ۱.۳. سطح سواد:

پایین بودن سطح سواد در زنان باعث می‌شود که آنها نیاز چندانی به مشارکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی در حوزه‌های مختلف را احساس نکنند یا نتوانند از فواید این دوره‌ها استفاده کنند. با توجه به شرایط فعلی و افزایش چشمگیر زنان در عرصه آموزش و روابط اجتماعی می‌توان در جهت بهبود مشارکت آنان در امر خیر اقدام کرد.

### ۱.۴. سن:

در سنین مختلف درآمد و زمان فراغت متفاوت است. برخی از تحقیقات نشان داده است که ارتباط سن و انجمن‌پذیری و مشارکت اجتماعی به صورت رابطه LA معکوس است؛ به گونه‌ای که از سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی عضویت یگانه و ۳۰ تا ۵۹ سالگی عضویت چندگانه است و در مقابل جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر، در انجمن‌ها حضور کمتری دارند. زنان در برخی سنین مستعد انجام فعالیت‌های خیرخواهانه هستند؛ ولی در برخی برهه‌ها به دلیل پررنگ بودن نقش تحصیل، همسری و به ویژه مادری زمان کمتری برای انجام این کار دارند. پس از سپری شدن این دوران و با بزرگ شدن بچه‌ها و ترک خانه، مسئولیت‌های زمان‌بر زنان بسیار کاهش می‌یابد و خلأ عاطفی برای مادران ایجاد می‌کند. این عارضه که یکی از پدیده‌های سنین میان‌سالی، به نام نشانگان «آشیانه خالی» است، نوعی افسردگی است که پس از آنکه آخرین فرزند، خانه را ترک

کرد، در زن و مرد ایجاد می‌شود. در این دوره اگر فعالیت جبرانی، به خصوص از سوی مادر انجام نشود، در مواردی ممکن است منجر به افسردگی مادر (و حتی پدر) شود. یکی از راهبردهای درمانی ارائه شده روانشناسان در پیشگیری و کاهش این عارضه انجام کار مشارکتی است. حضور زنان در این سنین در عرصه‌های خیریه‌ای با افزایش حس اعتماد به نفس و ایجاد روحیه به دلیل انرژی مثبت انجام کار خیر، عارضه موجود را کاهش یا حذف می‌کند. در خصوص بازه‌های سنی دیگر نیز می‌توان از ظرفیت دختران مجرد، مجرد قطعی، مطلقه یا بیوه در جهت مشارکت در امور خیربهره گرفت.

## ۲. عوامل خانوادگی

در این مورد، دو گزینه مطرح است:

### ۲.۱. میزان مشارکت اعضای خانواده در امر خیر:

مشارکت اعضای خانواده در انجام اعمال خیرخواهانه تأثیر بسیار زیادی در میزان فعالیت دیگر اعضا در این امور دارد. خانواده‌هایی که فرهنگ خیر و نیکوکاری به شکل اصولی در آنها نهادینه شده است، این امر را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و نیکوکاران آینده را به جامعه عرضه می‌کنند.

### ۲.۲. تربیت:

در زمینه تربیت زنان نیکوکار، اصول تربیتی مشابهی در خصوص زنان و مردان وجود دارد و تفاوت چشمگیری در خصوص تفاوت جنسی دیده نمی‌شود. در اینجا تربیت در دو بعد والدینی و اجتماعی بیشترین تأثیر را دارد. والدین نخستین الگوی تربیتی فرزندان هستند که باعث شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی در فرزندان می‌شود. دوستان و گروه هم‌سالان نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت اجتماعی افراد به حساب می‌آیند. افراد به خصوص در دوران نوجوانی و جوانی گرایش زیادی به ارتباط و الگوبرداری از این دو گروه دارند. در کشورهای پیشرفته در امر خیر، تربیت اجتماعی، زنان و مردان را به سمت انجام نیکوکاری هدایت و به صورت امری نهادینه درآورده است.

## ۳. عوامل اقتصادی

انجام فعالیت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه در اشکال متفاوتی صورت می‌گیرد. یکی از بارزترین این فعالیت‌ها مشارکت اقتصادی به اشکال گوناگون است. با توجه به بررسی مبانی قرآنی حقوق اقتصادی زن در خانواده روشن می‌شود، توانمندی اقتصادی زنان مسلمان به سبب مهریه، نفقه، ارث و درآمدهای ناشی از اشتغال و

فعالیت‌های اقتصادی آنها و این مسئله که مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده آنان نیست، زمینه مناسبی که زنان را برای انجام کارهای خیر مستعد می‌کند.

## ۴. عوامل اجتماعی

در آموزه‌های متعالی دینی و متون اسلامی، تفاوتی در توانایی زن و مرد در مباحث بنیادی دیده نمی‌شود. تفاوت تنها در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است که در آفرینش انسان به دو جنس زن و مرد افافاضه شده است. از نظر اسلام عرصه فعالیت برای زن به طور کامل باز است؛ اما بحث توان افزایی زنان می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها بستر رشد زنان را فراهم می‌کند. در خصوص توان افزایی و تربیت زنان نیکوکار، نقش آموزش و رسانه بسیار مؤثر است.

### ۴.۱. آموزش:

بین سال‌های رسمی آموزش در مدرسه و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. دلیل آن تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان در جهت همیاری است. تجربه‌های کشورهای جنوب شرق آسیا نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آموزش زنان موجب افزایش تولید اجتماعی می‌شود و زمینه را برای رشد بیشتر فراهم می‌کند.

دگرگونی‌های شتابنده دانش در سده‌های اخیر و افزایش نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی موجب شده است، کشورهای پیشرفته جهان توسعه جوامع را بدون حضور زنان پیش نبرند. مشارکت زنان در امر خیر نیز از این قاعده مستثنا نیست و آموزش سهم ویژه‌ای در پیشرفت آن دارد. آموزش در دو بعد عمومی و اختصاصی در این حوزه مطرح می‌شود. در حوزه مشارکت در گستره نیکوکاری، به ویژه مشارکت زنان، نقش آموزش عمومی از طریق رسانه، مساجد، کانون‌های فرهنگی و ورزشی و همچنین برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها در جهت ایجاد انگیزه بسیار مهم است.

در خصوص آموزش اختصاصی نیز می‌توان به دانشگاه‌هایی که با تعریف رشته‌های مرتبط با نیکوکاری به طور ویژه به این امر پرداخته‌اند، برای نمونه به کشور آمریکا به عنوان پیش‌تاز و پس از آن انگلیس اشاره کرد. نوع دیگر از این فعالیت‌ها به شکل حمایت تحصیلی از افراد نخبه است. در ایران نیز مدرسه نوآوری اجتماعی روشنا در این زمینه فعالیت دارد.

### ۴.۲. نقش رسانه:

رسانه‌ها نیروی محرک و تهدیدکننده فرهنگ هستند. رسانه گذشته از آن‌که خود فرهنگ غالبی را ترویج می‌کند، از عناصر فرهنگ ساز است. تلویزیون به عنوان یکی از پرمصرف‌ترین رسانه‌ها در میان مدت و درازمدت در اندیشه و نگرش مخاطبان

تأثیر می‌گذارد. همچنین از طریق برجسته کردن، هدایت دادن، پررنگ کردن و یا به حاشیه بردن و کم‌رنگ کردن رویدادها، دستورکاری برای ذهن و ارتباط با محیط اجتماعی فراهم می‌آورد. در زمینه فعالیت در امور نیکوکارانه زنان نیز، رسانه با روش‌های فرهنگ‌سازی امرخیر و اطلاع‌رسانی می‌توانند تأثیرگذار باشند. نمایش فیلم‌ها، سریال‌ها و مجموعه‌های مستندی که به اثرگذاری زنان در این حوزه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌پردازد، بسیار راهگشاست. به‌عنوان مثال، نمایش سریال‌هایی که کمک به هم‌نوع و دغدغه‌مندی در این زمینه را نشان می‌دهد، به شکل غیرمستقیم فرهنگ نیکوکاری را ترویج می‌کند. در خصوص اطلاع‌رسانی نیز، برنامه «ماه‌عسل» درباره کمک به آزادی زندانیان در ماه رمضان سال ۹۶ منجر به جمع‌آوری نزدیک به ۱۵ میلیارد وجه نقد شد که میزان تأثیر اطلاع‌رسانی در جذب مشارکت را نشان می‌دهد. همچنین تحقیقات به وجود رابطه بین اطلاع‌رسانی از وجود نهادهای مشارکتی و میزان فعالیت اشاره کرده‌اند. هر چه اطلاع‌رسانی مفیدتری عرضه شود، میزان مشارکت زنان با توجه به حمایتگری ذاتی آنها بیشتر می‌شود.

## ۵. عوامل مذهبی

جامعه متناسب با نظام فرهنگی خود، نوع ویژه‌ای از مشارکت مردمی را داراست. عوامل مذهبی از جمله عوامل مؤثر در میزان مشارکت اجتماعی در جوامع دینی است. در ایران، غالب اشکال مشارکت مردم در بافت و ساختار ارزش‌های مذهبی صورت گرفته است. این نوع مشارکت در قالب‌های متفاوتی جلوه‌گرمی شود که بارزترین آن‌ها عبارت‌اند از:

**۵.۱. مناسک:**

شامل پرداخت خمس، زکات، کفاره، انجام قربانی و موارد دیگر که زنان به‌طور مستقیم در آن فعالیت می‌کنند یا به‌طور غیرمستقیم با تشویق همسر و اطرافیان به این امرخیرمبادرت می‌ورزند.

## ۵.۲. مراسم:

عرصه گسترده‌ای را در برمی‌گیرد و شامل انجام عزاداری در ایام محرم، افطاری دادن در ماه رمضان، ولیمه دادن در مناسبت‌ها و... است. در این زمینه مشارکت زنان در برگزاری این مراسم از طریق پرداخت همه یا بخشی از هزینه‌ها و یا انجام فعالیت داوطلبانه است.

## ۵.۳. ساخت ابنیه:

می‌توان به مشارکت در ساخت بناهای مذهبی، نظیر مسجد و حوزه علمیه یا در زمان فعلی، ساخت دانشگاه، مدرسه، خوابگاه، بیمارستان، پرورشگاه و... اشاره کرد.



طاهره طریقیان یگانه

# کنشگری زنان در جوامع محلی

گفت و گو با  
سعید نوری نشاط  
تسهیلگر جوامع محلی و روستایی



سعید نوری نشاط، به مدت ۲۰ سال در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد فعال است و از سال ۱۳۸۴ در زمینه جوامع محلی و روستایی به‌عنوان تسهیلگر کار می‌کند. وی علاوه بر فعالیت اجتماعی به تألیف کتاب در این حوزه‌ها نیز پرداخته است و بیشتر وقتش را به‌صورت داوطلب به گروه‌ها و مردم در روستاها و محلات شهری کمک می‌کند. از آنجا که برخی از فعالیت‌های خیرخواهانه زنان، در جوامع محلی شکل می‌گیرد، با او درباره نقش زنان در جوامع محلی و کنش‌های خیرخواهانه گفت‌وگو کرده‌ایم. نشاط معتقد است حضور زنان در تمامی حوزه‌های کنشگری بسیار چشمگیر است. همچنین تأکید دارد، منافع فردی و گروهی پیش‌زمینه تحقق منافع خیرخواهانه برای جامعه است. مشروح این مصاحبه را در ادامه بخوانید.

### کنشگری زنان در جوامع محلی به چه میزان و بیشتر در چه زمینه‌ای است؟

اگر منظورمان از جوامع محلی روستاها باشد، در گذشته‌های دور که زنان فعالیت چندانی نداشته‌اند؛ مشارکتشان همان کارهایی بوده است که در چارچوب قوم و قبیله یا در حوزه یاریگری انجام می‌داده‌اند. البته در جای جای ایران داستان‌هایی از زنان شجاعی داریم که حماسه آفریده‌اند. اما اگر منظور از کنشگری زنان به معنای واقعی کلمه باشد، به این معنا که در اجتماعشان تغییری به وجود آورده‌اند، اولین زمانی که چنین چیزی بروز پیدا کرد، زمانی است که زنان نماینده شورای روستا شدند. پیش از آن خان و کدخدای زن وجود نداشت؛ بنابراین حضور زنان در این سطح دیده نشده بود. در دور اولِ شوراها کمابیش در دور دوم و سوم به‌مرور حضور زنان در شوراها قوی‌تر شد. البته روستا با روستا فرق داشت؛ نماینده‌های زنی بودند که برای روستاهایشان وقت و انرژی فراوانی گذاشتند، منابع جذب کردند و به زنان دیگر روستا نیز توجه کردند.

اما جدای از موضوع عضویت در شوراها، به‌عنوان تسهیلگری که در جوامع روستایی کار می‌کند، آنچه مشاهده کرده‌ام این است که در بیشتر فعالیت‌ها در روستاها، به غیر از بعضی مناطق، همیشه با استقبال زنان روبرو بوده‌ایم. در دوره‌ای هم که در بخش مدیریت دانش برای برنامه «کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی» که بخشی از فعالیت سازمان ملل در تهران است کار می‌کردم، در بررسی ۲۰۰ پروژه، حضور زنان چشمگیر بود. زنان از فعالیت‌هایی که به نفع محیط‌زیست، زنان دیگر روستا، کسب‌وکار و جذب منابع بود، به شدت استقبال کردند.





### به نظرتان ارتباط فعالیت‌های کنشگرانه با امر خیر چیست؟

این را تجربه کرده‌ام که وقتی به فردی می‌گویم تو می‌توانی کنشگر باشی و یک سری فعالیت‌ها را انجام بدهی، این فرد از سه مرحله می‌گذرد: اول اینکه، چه در روستا و چه در شهر، در ابتدای امر، انسان‌ها خیلی زود متوجه منافع خودشان می‌شوند. برای مثال، اگر در حوزه سلامت کاری انجام شود، زنان استقبال می‌کنند، چراکه اولین چیزی که به ذهنشان می‌رسد این است که حداقل شرکت در این کلاس‌ها به نفع خودمان است؛ زیرا به سلامتی خودمان کمک می‌کند. این نفع شخصی بد نیست. مداموش نمی‌کنیم. در واقع بر آن تأکید هم می‌کنیم که خوب است انسان‌ها به فکر خودشان باشند. پس در مسیرمان اول منفعت فردی وجود دارد که ممکن است مادی یا غیرمادی باشد. دوم اینکه، زن یا مرد اگر بخواهند به تنهایی درگیر فعالیت‌های خیریه یا اجتماعی بشوند، ممکن است شکست بخورند. چون الان همه چیز پیچیده است و رقابت‌ها شدید است و همیاری‌ها سخت شکل می‌گیرد. در این حالت نیاز است افراد دور هم باشند و گروه تشکیل دهند. منفعت گروهی زمانی مهم می‌شود که گروه شکل می‌گیرد. بعد از تشکیل گروه افراد به این فکر می‌کنند که مایی که دور هم جمع شده‌ایم و قصد انجام کاری داریم، می‌خواهیم به کجا برسیم و چه هدفی داریم. به عنوان مثال، این اندازه درآمد برای اعضای گروهمان شکل بگیرد یا این کیفیت خوب بوم‌گردی را به مشتری‌مان عرضه کنیم. این نوعی از منفعت گروهی است که به تدریج شکل می‌گیرد و عمیق می‌شود.

اما مرحله سوم یا منفعت سوم هم داریم؛ این منفعت همان است که ما به آن کار خیر می‌گوییم یا وقتی می‌گوییم زنان می‌توانند به هم‌نوعشان کمک کنند، در واقع درباره این بخش صحبت می‌کنیم. تمام این‌ها در بخش سوم که منفعت اجتماعی است، می‌گنجد. پس فرد در ابتدا به منفعت فردی می‌رسد، سپس با کار گروهی منفعت گروهی ایجاد می‌شود و وقتی کاری را برای محله یا روستا می‌کند، منفعت اجتماعی را دنبال می‌کند. برای نمونه، در منطقه مینودشت، تعدادی از بانوان گروهی تشکیل داده‌اند به نام «ابریشم گنجینه پنهان». کارشان تولید صنایع دستی است و یک خانه بوم‌گردی به نام «تیلان» دارند. این زنان بخشی از درآمدشان را به حفظ محیط روستا و جنگلشان اختصاص داده‌اند. هم معیشتشان را تأمین می‌کنند، هم به نفع گروهی رسیده‌اند و هم خیرشان به محیط زیست می‌رسد.

اینکه کنشگری حاضر به صرف انرژی برای دیگران بشود، در جامعه‌شناسی به او عاملیت تغییر می‌گوییم. اینکه زنی نیکوکار می‌شود، به روستاها سر می‌زند و



تفاوت کنشگری زنان در شهر و روستا یکی بر سر سرعت است و دیگری اینکه ما در روستا خیلی دیر به سطح میانی می‌رسیم و در شهر خیلی زود به این سطح می‌رسیم. یعنی خیلی سریع افراد حساسی می‌شوند و می‌توانند جاهای دیگر هم کمک کنند.

نیازسنجی می‌کند و بعد در ساخت‌وساز و راه‌اندازی مکانی کمک می‌کند، این زن عاملیت دارد. اما این امر وقتی شکل می‌گیرد که فرد اول به فکر خودش باشد، اگر به خودش اهمیت ندهد، نمی‌تواند وارد مرحله دوم بشود و تا وقتی که گروهش توانمند نباشد، نمی‌تواند به اجتماع کمک کند. چرا تنها نمی‌تواند؟ چون تنها شکست خواهد خورد. همه زنان موفق ما، پشتشان یک گروه است. هیچ‌کس تنها وسط میدان قرار نمی‌گیرد. حالا این گروه می‌تواند برای اجتماعش کاری انجام دهد و به عاملیت اجتماعی برسد. این سه مرحله چیزی است که من به تدریج از میان مردم به دست آورده‌ام.

اما در کمک‌های خیر، نیکوکاران (چه زن و چه مرد) باید اقلیم، محیط‌زیست و شرایط آن روستا را هم در نظر بگیرند و با توجه به تمام آن‌ها برای مردم کار کنند. این منفعت در ادامه منافع فردی و گروهی و اجتماعی است و مراقبت از زیست‌بوم آن مردم و منطقه است. در این صورت ما ۴ بار برنده‌ایم، هم فرد، هم گروه، هم جامعه و هم محیط. این را هم اضافه کنم که در این مدل‌های کنشگری (سه مرحله‌ای)، هرجایی که می‌رویم زنان پیشرو هستند.

### در هر نوع کار و در هرجایی این پیشرو بودن صدق می‌کند؟

بله. در همه جا زنان پیشرو هستند و همین مراحل سه‌گانه را هم به تدریج طی می‌کنند.

### دلیل اینکه زنان در همه جا پیشرو هستند را چه می‌دانید؟

دلیل خیلی ساده‌انگارانه‌ای که ممکن است همه بگویند این است که زن‌ها وقت دارند. این را من بارها شنیده‌ام که زن‌ها وقت دارند و ما مردها نداریم. اما شما جدول زمانی روزانه یک مرد و یک زن را باز کنید، معتقدم که وقت هدررفته مردها بیشتر از زن‌هاست. بیشتر، مردها به سبب بی‌اعتماد شدنشان حاضر به وقت گذاشتن نیستند؛ ولی زن‌ها اعتماد می‌کنند. این که چرا زن‌ها بیشتر اعتماد می‌کنند و مردها اعتماد نمی‌کنند، دلیلش داخل اجتماع است و اتفاقاتی که افتاده است. در گذشته مردها در موقعیت‌هایی اعتماد کرده‌اند و زنجیره اعتماد گسسته شده است و این باعث می‌شود الان سخت اعتماد کنند. اما زن‌ها چون این فضا را آن‌گونه

که مردها تجربه کرده‌اند، تجربه نکرده‌اند، اعتماد کردن برایشان راحت‌تر است. دلایل دیگر هم می‌تواند داشته باشد؛ مثل انگیزه پیشرفت و یا این‌که فضای مطمئن اجتماعی برای حرکت پیدا می‌کنند.

### کنشگری زنان در فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف ایران به چه صورت است؟ چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی دارند؟

تجربه به من می‌گوید که قوم نمی‌تواند به‌عنوان متغیر باشد. نمی‌توان گفت که بین بلوچ‌ها که می‌رویم مشارکت زنان کمتر است و در روستاهای گیلان مشارکت زنان خیلی بیشتر. به‌نظرم این اشتباه است. در واقع کیفیت کنشگری بین زنان بلوچ با کیفیت کنشگری بین زنان گیلانی خیلی متفاوت است. ولی نکته‌ای را به‌تدریج متوجه شده‌ام که بی‌سوادی، جزو مؤلفه‌هایی است که انسان‌ها را متوقف می‌کند. یعنی آدم‌ها وقتی می‌خواهند کنشگر باشند تا جایی برای روستا و همسایگان‌شان تلاش می‌کنند و وقتی متوجه می‌شوند که چون بی‌سواند، نمی‌توانند نامه‌ای بنویسند یا بخوانند و در فضای مجازی نمی‌توانند کار کنند، بی‌سوادی مانعشان می‌شود و این مشکلی جدی است.

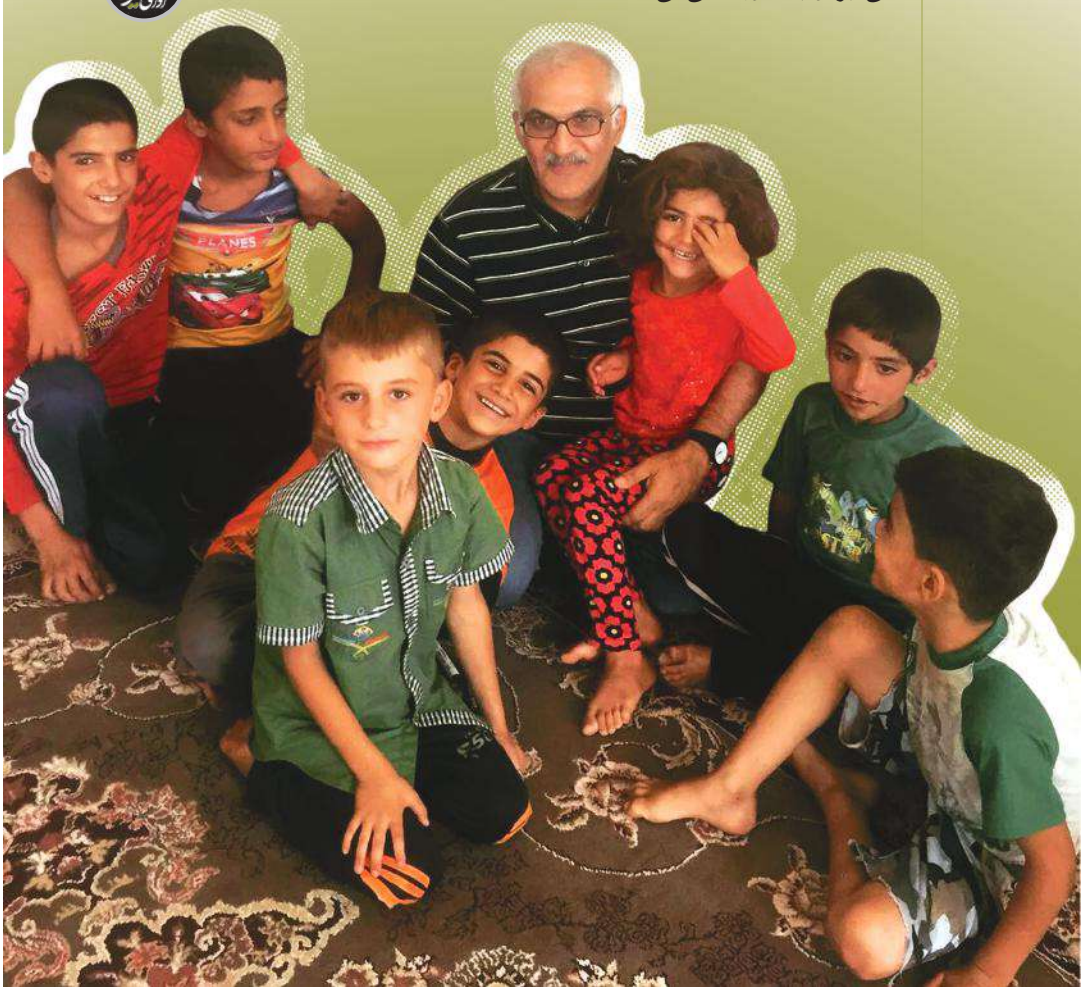
### پس انگیزه به‌طور یکسان است و اگر آموزش باشد، همه می‌توانند به یک اندازه فعالیت کنند؟ بله درست است.

### چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین کنشگری زنان در شهر و روستا وجود دارد؟ هرکدام چه ویژگی‌هایی دارند؟

تفاوت‌هایشان خیلی زیاد است. برای همین از شباهت‌هایشان شروع می‌کنم. در هر دو جا، شهر و روستا، زنان وقت می‌گذارند. در هر دو جا، در موقعیت‌هایی حس مادرانه شدید دارند. حتی بین همکاران خودم هم این حس هست و گاهی به آن‌ها می‌گویم: «می‌شه مادر نباشید؟!». این مادرانه وقت گذاشتن به‌صورتی است که گویی بچه‌شان را بزرگ می‌کنند و وقتی اتفاق بدی می‌افتد، اشک در چشمانشان جمع می‌شود. این حس مادرانه بدنیست؛ ولی باید جایی تبدیل به حس توان‌افزایی شود. این حس مادرانه یا پدرانه باعث می‌شود افراد را از مسیر توان‌افزایی بیرون بیاوریم، در صورتی که دیدگاه ما در کار خیر باید به‌گونه‌ای باشد که آدم‌ها در این مسیر جان بگیرند و توانمند شوند. در اینجا باید به این مطلب پردازیم که جنس کار خیر یا از نوع مداخله اولیه است یا مداخله ثانویه. مداخله اولیه به این صورت است که به‌عنوان مثال کسی در حال مرگ است و اگر



کمک نکنیم می‌میرد یا کسی مبتلا به سرطان است. در این‌گونه موارد نمی‌توان به آن فرد گفت: «برو سبک زندگی‌ات را عوض کن!» بلکه باید به او کمک کرد. هرچند روش‌هایی هست که این دو کار را توأمان انجام می‌دهد؛ ولی بیمار در آن زمان به درمان نیاز دارد. مداخلهٔ ثانویه جایی است که ما در سبک زندگی و روش فکر کردن و... دخالت می‌کنیم. چرا این‌گونه دخالت می‌کنیم؟ زیرا نمی‌خواهیم این آدم همیشه به ما وابسته باشد. گاهی از من می‌پرسند که کار خیر تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ من می‌گویم ان شاء الله که ادامه نداشته باشد و قطع بشود. باید کاری کنیم که دیگر مردم به کار خیر ما نیاز نداشته باشند و خودشان بتوانند سرپا باشند. پس مسیر اصلی در کار خیر، مسیر توان‌افزایی است و حس مادرانه در تضاد با این است و استقلال فرد را می‌گیرد و ایجاد وابستگی می‌کند.





من این شباهت‌ها را دیده‌ام. اما از آن طرف تفاوت‌هایی وجود دارد. یک اینکه در فضاهای شهری دسترسی‌ها خیلی بیشتر از روستاهاست. دسترسی یک مفهوم است؛ به معنای دسترسی به منابع، اطلاعات، آدم‌ها، بازار، فرآیندها، انجمن‌ها و گروه‌هاست. کیفیت کار همیشه خیلی متفاوت است؛ یعنی ما در محله‌های شهری، خیلی سریع‌تر از روستا و در محله‌های تهران، خیلی بیشتر از محله‌های شهرستان‌ها کار می‌کنیم. برای این‌که وقتی دسترسی فراهم می‌شود، آدم‌ها سریع‌تر توانمند می‌شوند. برای همین ممکن است در یک روستا ۴ سال کار کنیم و در محله‌ای شهری یک سال، برای اینکه در اینجا دسترسی‌ها متفاوت است، آدم‌ها زودتر یاد می‌گیرند، بیشتر در معرض هستند. در معرض بودن یکی از چیزهایی است که آدم‌ها را سریع توانمند می‌کند. به همین دلیل نوع کنشگری در شهر خیلی سریع از سطح خرد به سطح میانی می‌رسد.

کنشگری را از زاویه فرد و گروه و اجتماع توضیح دادم؛ حال از زاویه دیگری به آن می‌پردازم. کنشگری همیشه از سطح خرد شروع می‌شود، از خانواده یا همسایگان، خیابان، محل کار و دور و اطراف آدم‌ها و از کاری ساده شروع می‌شود. از این سطح خرد به سطح و فضای میانی می‌رسد. فضای میانی کمی ذهنی است. برای نمونه، من به خانواده خودم حساسم و بعد از مدتی به خانواده‌های سراوان در استان سیستان و بلوچستان حساس می‌شوم. این روند برعکس نمی‌شود. چون ما به آن تمرین در فضای خرد خودمان احتیاج داریم تا بتوانیم این تمرین را در جای دیگری انجام دهیم.

### در واقع نوعی آموزش است؟

نه! این پلکانی است که ما روی آن قدم می‌گذاریم و آرام‌آرام بالا می‌رویم. اگر کسی روی مادرش حساس نباشد، چطور می‌تواند روی مادرهای دیگر حساس باشد. اگر خودت را دوست نداشته باشی، چطور می‌توانی دیگران را دوست داشته باشی؟ پس تفاوت کنشگری زنان در شهر و روستا یکی برسر سرعت است و دیگر اینکه ما در روستا خیلی دیر به سطح میانی می‌رسیم و در شهر خیلی زود به این سطح می‌رسیم. یعنی خیلی سریع افراد حساس می‌شوند و می‌توانند جاهای دیگر هم کمک کنند.

### چه ارتباطی بین کنشگری و حضور در فعالیت‌های خیریه به‌طور کلی و به‌ویژه درباره زنان وجود دارد؟

در ابتدا باید بگویم که به‌طور کلی، از دو زاویه می‌توان با این موضوع برخورد کرد: اول

اینکه من ناجی (نجات‌دهنده) هستم و می‌خواهم برای دیگران کاری انجام دهم. بعضی از زن‌ها از این زاویه وارد می‌شوند. ولی زاویه دیگری هم وجود دارد و آن این است که بگوییم وضعیتی در بعضی جاهای کشور به وجود آمده است که در آنجا نیاز است که کاری انجام شود؛ به‌عنوان مثال، مدرسه ساخته شود و یا از کیفیت بهتری در بهداشت یا آموزش بهره‌مند شوند. پس در این نگاه نمی‌گوییم که آن‌ها قربانی یا ناتوان هستند، بلکه می‌گوییم ممکن است نیاز به مداخله اولیه از طرف ما باشد. این مداخله اولیه به تدریج باید تبدیل به مداخله ثانویه شود که جنس آن مشارکت خود آدم‌ها در تغییر وضعیتشان است. توصیه جدی من این است که در حوزه کارهای خیریه، وقتی تبدیل به کنشگر می‌شویم، نقش ناجی را بازی نکنیم. نقش ما (به‌ویژه اگر با نگاهی از بالا به پایین باشد) این است که دستشان را بگیریم و ما هم از ارتفاع خود بکاهیم و هم‌ترازشان شویم و تسهیل کنیم که آن‌ها هم توانمند بشوند.

اگر به‌طور خاص درباره زنان چه به‌عنوان گروه هدف و چه به‌عنوان کنشگر صحبت کنیم، فعالیت زنان در حوزه خیریه در ایران در حقیقت چشمگیر است؛ از تعداد خیریه‌هایی که با مدیریتش دست‌زن‌هاست و یا در آن فعالیت می‌کنند یا تأمین‌کننده هستند و یا وقت می‌گذارند و به شکل داوطلبانه کارهای گوناگون می‌کنند.

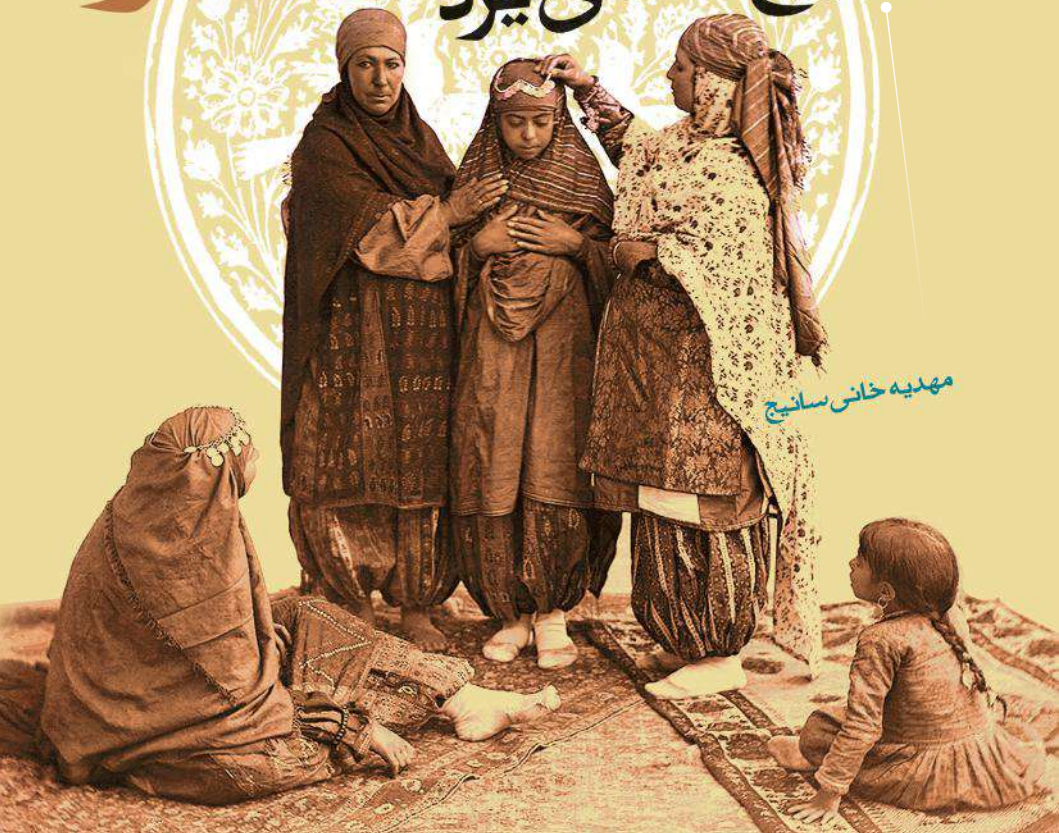
### ورود زنان به فعالیت‌های خیریه چه آسیب‌هایی را به همراه دارد؟ چه برای خود شخص و چه برای جامعه هدف؟

آسیب‌ها چیزی است که من دوست دارم خیلی بروی آن تأکید کنم. مثلاً به نام «مثلث مصیبت» را روانشناسی معرفی کرده است که در تسهیلگری از آن استفاده می‌کنیم. در مثلث مصیبت می‌گوییم اگر شما نجات‌دهنده بشوید، طرف مقابلتان به‌طور خودکار قربانی می‌شود. اگر این رابطه را قطع کنید، قربانی تبدیل به آزاددهنده می‌شود و شما قربانی می‌شوید. پس باید دقت کنیم که نجات‌دهنده نشویم؛ چراکه موجب کاهش توان کمک‌گیرنده خواهد شد و او را کم‌کم ضعیف‌تر خواهد کرد. در کارهای خیریه همیشه باید با دو رویکرد آن را ببینیم. یک رویکرد این است که مداخله اولیه می‌کنم و بدانم به چه دلایلی دارم این کار را می‌کنم. ولی باید این را به‌خاطر داشت که نباید در مداخله اولیه ماند و باید به جامعه هدف مشارکت کردن را آموخت تا خودشان تبدیل به افرادی نیکوکار شوند. البته این آسیب فقط در خصوص زنان نیست، مردان هم به این آسیب دچارند.

از نقش زنان در زندگی روزمره و فعالیتهای اجتماعی، اثر چندانی فعال نداشته‌اند و بیشتر اوقات خاموش بوده‌اند، گاه در برخی فعالیتهای خیر مشارکت کرده‌اند و آثاری از آنها برجای مانده است. در این نوشتار به بررسی تاریخی حضور زنان نیکوکار در شهر یزد می‌پردازیم. با توجه به حضور اقلیتهای مذهبی در این شهر، نقش زنان نیکوکار مسلمان، زرتشتی، کلیمی و مسیحی این دیار را در فعالیتهای عام‌المنفعه و داوطلبانه بازگو می‌کنیم.

# نگاهی تاریخی به کنشگری زنان نیکوکار در تاریخ محلی یزد

مهديه خانی سانیچ



در شهر یزد به عنوان جامعه‌ای نمادین از بستری سنتی و مذهبی، متشکل از مسلمان، زرتشتی (به‌دین)، کلیمی و مسیحی و نگاه متفاوت هرکدام از این ادیان به جایگاه زن اقدامات خیریه‌ای گوناگونی شکل گرفته است. در طول تاریخ باستان تا دوره مدنظر این نوشتار، عصر قاجار و پهلوی، زنان و مردان یزدی از هر طبقه و مذهبی فعالیت‌های عام‌المنفعه متنوعی را ایجاد کرده‌اند. در این بستری اجتماعی اقدامات خیریه و عام‌المنفعه زنان مسلمان و اقلیت مذهبی به‌عنوان نیمی از افراد جامعه پویا، ولی سنتی یزد، جایگاه اجتماعی آنان و چشم‌اندازی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در نهایت میزان توسعه جامعه مدنظر را نشان می‌دهد.

زنان مسلمان بیشتر در سایه حمایت و تحت تکفل پدران و همسران خود بودند. اما با توجه به حق مالکیت زن بر اموال خود، از جمله ارثیه و مهریه، زنان در دوره قاجار به‌ویژه بعد از مشروطه، به تدریج استقلال مالی یافتند. زنانی که در خانواده‌های متمول و باسواد بودند و به جهت ارتباط با همسران و پدران فرهیخته سواددار شده و تا حدودی از اندرونی خارج شده بودند، از خود اموال موقوفی متعددی به جای گذاردند. (این زنان بیشتر القابی چون حاجیه و خاتون داشتند که نشان‌دهنده مذهبی بودن و تمکن مالی آنهاست). بانوان نیکوکار را در دو طیف زنان خانواده‌های تجار و حکام یزدی و در دوره پهلوی، به‌ویژه پهلوی دوم، زنان تحصیل‌کرده و باسواد می‌توان تقسیم‌بندی کرد. البته با توجه به بررسی اکثر وقف‌نامه‌هایی که در سال‌های اخیر از سوی اوقاف در کتب گوناگون چاپ شده است، حدود بیست درصد موقوفات یزد به زنان اختصاص دارد. کنکاش در این وقف‌نامه‌ها چند نکته بارز را نشان می‌دهد؛ از جمله:

۱. هرگز این فعالیت‌های عام‌المنفعه قالب زنانه نداشته است و فقط چند نمونه محدود به برگزاری مراسم‌های سوگواری زنانه در این میان دیده می‌شود. در این وقف‌نامه‌ها دختران به‌عنوان وارث و متولی معرفی نشده‌اند و بیشتر فرزندان ذکور یا عالم محل متولی بوده‌اند. علاوه بر آن، از میان موقوفات زنان، هشتاد درصد آنها به امور مذهبی اختصاص داشته است.

۲. رقبه‌های وقف‌نامه‌ها بیشتر به شکل بخشی از یک مایملک است که نشان‌دهنده موروثی بودن آن است و ماهیتی خصوصی و محلی دارد. به‌علاوه بیشتر فردی با عنوان تولیه، مسئولیت نظارت و نگهداری آن رقم وقفی را به عهده داشته است و خود بانوی واقف حتی در زمان حیات دخل و تصرفی در آن نداشته است. البته زنانی که صاحب فرزند نمی‌شدند، مانند خانم گلشن و خانم بقایی، بخشی از رقبه‌های وقف و فعالیت عام‌المنفعه را به خود اختصاص دادند تا برایشان باقیات و صالحات باشد.







۳. زنان نیکوکار در عصر پهلوی دوم با ورود به فعالیت‌های اجتماعی در امور خیریه نیزنگاهی نوداشتند و برای اولین بار در قالب خیریه مدرسه، پرورشگاه، حمام ایجاد کردند. از جمله اقدس بقایی و بی‌بی فاطمه گلشن و بی‌بی فاطمه پاپلی.

۴. در دوره رضاشاه به جایگاه وقف بی‌اعتنایی شد و حتی دخل و تصرف در وقفیات صورت گرفت. گرچه در یزد نسبت به جایگاه دینی وقف بی‌توجهی شد، با ایجاد کارخانه‌های صنعتی و مدرنیزه شدن تدریجی شهر برخی از زنان متمول که مالک سهامی از این کارخانه‌ها (کارخانه درخشان) بودند، قسمی از آن یا سود سهام را به امور خیریه مذهبی اختصاص دادند.

۵. با توجه به اقلیم خشک یزد و ایجاد قنات و آب‌انبار بسیاری از این بناها در قالب وقف ماندگار شدند. اما یکی از بارزترین نکات در قنات‌ها نقش زنان در حفر قنات است که یادآور یزد بانوی آب «آناهیتا» است. از آن جمله می‌توان این موقوفات را نام برد: قنات مهریچرد از سوی مهرنگار دخت انوشیروان، قنات ارسلان خاتون (در سال ۸۰۷ ه.ق)، قنات ابرو مبارکه به همت کنیزان علاءالدوله کالیجار حاکم مظفری یزد، قنات مریم‌آباد به همت مریم سلطان مادر سلطان قطب‌الدین حاکم یزد در دوره اتابکان، قنات بغداد آباد از سوی بغداد خاتون همسر بهادر خان حاکم یزد در دوره ابوسعید در قصبه مهریچرد. افزون بر این، به نظر می‌رسد آب‌انبار کارکرد بقای نسل را داشته است و زنان، به خصوص زنان بدون فرزند، در ایجاد این بناهای عام‌المنفعه فعالیت ویژه‌ای داشته‌اند. آب‌انبار بی‌بی فاطمه گلشن و حاجی طیبه در یزد از این دست هستند.

### فعالیت‌های نیکوکارانه بانوان زرتشتی

زرتشتیان یزد که بازماندگان آیین باستانی ایران هستند، در دوره‌های مختلف تاریخی وضعیت ویژه‌ای برایشان ایجاد شده است. در دوران قاجار به خصوص بعد از دوره ناصری، با گشایشی که از کمک هم‌کیشان آنها در هندوستان و انجمن‌های خیریه برای بهدینان یزد حاصل شد، در امور عام‌المنفعه اهتمام ویژه‌ای داشتند. زنان زرتشتی در این میان پایه‌های مردانشان برای حفظ جامعه خود در امور مدارس زرتشتی که در قالب انجمن‌های خیریه اداره می‌شد، هم از لحاظ مادی و هم به جهت تدریس دختران فعالیت کردند. البته آئینی‌ترین دهشمنندی و فعالیت خیریه آنها، یعنی

هرگز فعالیت‌های عام‌المنفعه  
قالب زنانه نداشته و فقط  
چند نمونه محدود به برگزاری  
مراسم‌های سوگواری زنانه دیده  
می‌شود. در وقف‌نامه‌ها دختران  
به‌عنوان وارث و متولی معرفی  
نشده‌اند و بیشتر فرزندان ذکور  
یا عالم محل متولی بوده‌اند.

گهنبار، سفره اطعام ایتم و نیازمندان، در اتاقی از خانه بانوی بهدین با نام پَسکَم مَس انجام می‌شد و بانوی خانه نقش اصلی در تهیه غذا برای نیازمندان را داشت. اما در قالب خیریه‌های نوین، انجمن‌های خیریه اولین بار در سال ۱۸۵۰ میلادی، با عنوان «انجمن بهبود وضعیت زرتشتیان» ایجاد شد. این انجمن با مدیریت بانویی به نام گلستان بانو و پسرانش برای کمک به پناهندگان ایران به هندوستان تشکیل شد. این انجمن و دیگر انجمن‌های زرتشتی، مانند انجمن ایرانی بمبئی و انجمن ناصری در سال‌های بعد با اعزام نمایندگانی به ایران اقدامات گسترده‌ای از لغو جزیه تا ایجاد مدارس و اقدامات بهداشتی رفاهی مدرن در یزد انجام دادند. در اغلب هیئت‌امنانی این انجمن‌ها چندان حضور بانوان به شکل مستقل دیده نمی‌شود؛ ولی در کنار همسرانشان فعالیت کردند و گاه بعد از درگذشت آنها یادمانی به نام آنها به شکل خیریه ایجاد کردند. از این میان می‌توان به خانم‌ها نواز بانو تاتا (مطب سررتن تاتا)، مارکار (مجموعه آموزشی مارکار)، دینا بای دسای (مؤسس اولین دواخانه) اشاره کرد. در دوره قاجار زنان بهدین چندان استقلال مالی و وضعیت مناسبی نداشتند. با ایجاد مدارس و حضور دختران در این مدارس که از سوی انجمن‌ها ایجاد شد، بانوان باسواد شدند و به مرور با حضور در جامعه و ایجاد «سازمان بانوان زرتشتی»، خود منشأ خیر شده و مدارس را ایجاد کردند. بانو ماهیاری، سیمین خسروی (دختر خسرو شاه جهان)، مروارید کیامنش، پریراد گودرز شاه جهان، خرم دستور تیرانداز، آذر میدخت رستم کی‌نژاد، بانو سرافرازپور چیستی دختر شهریار اهرستانی از این گروه هستند. اقدامات عام‌المنفعه این بانوان بسیار متنوع است که می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. ساخت مدارس و اختصاص زمین و ساختمان؛

نقاشی از حیاط بیمارستان مرسلین یزد پس از مرمت کاروانسرای گودرز/ ۱۲۸۵ ه. ش.



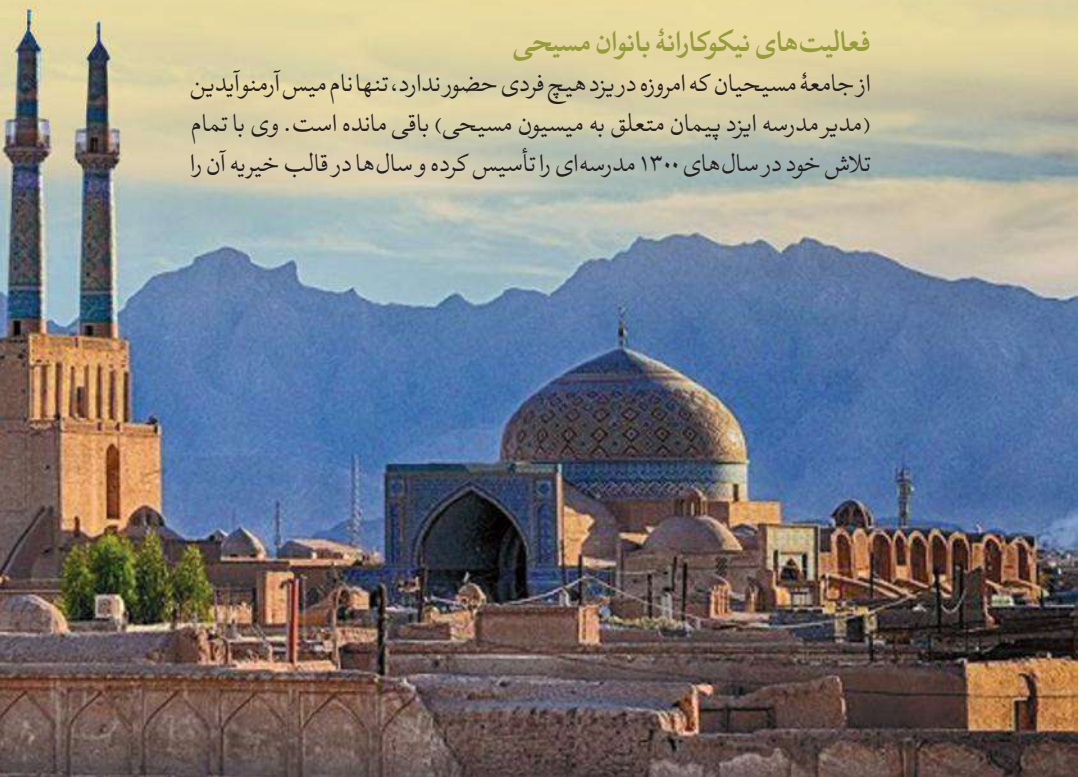
۲. حضور در کادر مدیریت و معلمی در مدارس اغلب به شکل رایگان و گاه با حقوق ناچیز؛
۳. ادارهٔ پرورشگاه و اختصاص مبالغی ماهیانه برای فعالیت آن.
- همچنین بیمارستان بهمن از سوی مانک بائی هرمزگی دینشاه و شوهرش به یادگار از فرزندشان بهمن، در یزد ایجاد شد. تصویر این بانو در سردر ورودی بیمارستان هنوز پابرجاست.

### فعالیت‌های نیکوکارانهٔ بانوان کلیمی

یهودیان دیگر اقلیت ساکن یزد هستند که از قبل از اسلام در این دیار زیسته‌اند. آنها در عصر قاجار و پهلوی اول، چندان انسجامی نداشتند و زندگی فقیرانه‌ای را می‌گذراندند؛ ولیکن در ابتدای عصر پهلوی دوم با فعالیت گستردهٔ تبلیغاتی، گروه‌هایی در قالب خیریه در بین جمعیت یهودیان ایران شکل گرفت. این گروه‌ها یهودیان را برای مهاجرت به اسرائیل تهییج می‌کردند. امروزه متأسفانه تنها ۱۲ نفر در یزد ساکن هستند و به علت کمبود منابع، اطلاعات خاصی در خصوص فعالیت خیریهٔ بانوان کلیمی به دست نیامد. البته فرنگیس خانم همسر موسیوشعبان تنها بانوی نیکوکاری است که داوطلبانه پذیرفت در زمان تعمیر مناره‌های مسجد جامع، پایه‌های کمکی در منزل وی ساخته شود که امروزه هنوز خرابه‌هایی از این منزل وجود دارد.

### فعالیت‌های نیکوکارانهٔ بانوان مسیحی

از جامعهٔ مسیحیان که امروزه در یزد هیچ فردی حضور ندارد، تنها نام میس آرمنوآیدین (مدیر مدرسه ایزد پیمان متعلق به میسیون مسیحی) باقی مانده است. وی با تمام تلاش خود در سال‌های ۱۳۰۰ مدرسه‌ای را تأسیس کرده و سال‌ها در قالب خیریه آن را



اداره کرده است. در مدرسه ایزد پیمان دختران مسیحی، زرتشتی، کلیمی و حتی مسلمان در کنار هم به آموزش می‌پرداختند.

دکتر اورانیا ناتهام (از نخستین پزشکان زن در انگلستان) همسر ناپیرمالکوم و خانم مرسلین (خواهر میس آیدین) در این سال‌ها بیمارستان مرسلین در یزد را اداره می‌کردند و به بیماران بی‌بضاعت دارو و کمک پزشکی رایگان می‌دادند. مدرسه به کمک بیمارستان مرسلین تعدادی از دانش‌آموزان دختر را برای قابلیت‌آموزش دادند تا با آگاهی از علوم و بهداشت نوین به زنان یزدی در به دنیا آوردن فرزندانشان کمک کنند.

### نتیجه‌گیری

در حالی که سنت حسنهٔ وقف و کمک به هم‌وطن و همسایهٔ نیازمند، از دیرپا در این شهر سنتی و مذهبی رواج داشته است، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در سده‌های اخیر تأثیرات مستقیمی در نوع حضور مردم در این عرصه گذاشته است. این تأثیرات به‌ویژه در دوران قاجار و تبعات پس از انقلاب مشروطه و دوران پهلوی اول و دوم دیده می‌شود. اما بررسی کلی از حضور زنان نشان می‌دهد که زنان مسلمان در امر کمک به هم‌نوع چندان پررنگ نبودند و بیشتر به حضور پدران و همسرانشان در امور خیرسندگی کردند. در حالی که در جامعهٔ اقلیت‌های زرتشتی و گاهی کلیمی و مسیحی حضور زنان برجسته‌تر بوده است، به‌ویژه در امور آموزشی و بهداشتی در کنار مردان در قالب انجمن‌های خیریه از دورهٔ ناصری در عهد قاجار تا زمان پهلوی شرکت داشتند. افزون بر این در اقدامات عام‌المنفعهٔ زنان در امور نوین و مذهبی گرایش‌های فمینیستی و ساختارشکنانه در جامعهٔ سنتی مشاهده نشده است و هرگز واقفان زن دختران خود را به عنوان متولی قرار نداده‌اند.



گفت‌وگو با زهرا نژاد بهرام؛ عضو شورای شهر تهران

میلادمرادی

# نگاه حاکمیت به مشارکت زنان در امر خیر



شماره سوم / بهار ۱۳۹۸

۲۸  
و  
۲۹



زنان در ایران مؤسس بسیاری از نهادهای خیریه‌ای از گذشته تا به حال بوده‌اند و نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. با توجه به مطالعات صورت گرفته و مشاهدات میدانی گزاره‌ای پذیرفته شده است که «زنان تمایل بیشتری به امور خیریه و مشارکت‌های اجتماعی دارند»؛ اما عواملی گوناگون بر حضور زنان در این وادی اثرگذار است. از عوامل تاثیرگذار می‌توان به وضعیت فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور، میزان تحصیلات زنان جامعه، چگونگی ورود به حوزه‌های خیر و... اشاره کرد. همچنین نوع نگاه حاکمیت در استفاده از ظرفیت زنان در امر خیر نیز عاملی است که با توجه به مشاهدات تاریخی، همواره بر مشارکت زنان در این حیطه اثر گذاشته است.

در همین راستا برای بررسی بیشتر با زهرا نژادبهرام، عضو شورای شهر تهران به گفت‌وگو نشستیم. وی قبل از عضویت در شورای شهر تهران، همچنین در حال حاضر، از پیشگامان عرصه مشارکت اجتماعی و امور خیریه محسوب می‌شود. این عضو شورای شهر تهران همچنین در حوزه مطالعات زنان نیز دستی بر آتش دارد و صاحب اثر «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» است. نژادبهرام در این گفت‌وگو ضمن تایید تمایل بیشتر زنان به کارهای خیریه‌ای اعتقاد دارد که نگاه حاکمیت به استفاده از توانایی‌های زنان در امور خیر بیشتر مقطعی و در مواقع بحرانی است. وی معتقد است که زنان بهتر است در قالب سمن‌ها و به صورت محلی به حوزه خیریه ورود کنند. در ادامه متن کامل این مصاحبه را می‌خوانید.

به عنوان سؤال اول، نقش و میزان مشارکت زنان در امر خیر در جهان و ایران چگونه می‌بینید؟ آیا میزان مشارکت و نقش زنان در امور خیرخواهانه و داوطلبانه تفاوتی با مردان دارد؟

زنان در زمینه مشارکت‌های اجتماعی و خیریه در اکثر کشورهای مختلف جهان پیشگام هستند که آن هم به سبب روحیه مشارکت پذیرشان است. به طور معمول در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، هر نهاد خیریه‌ای که در طول تاریخ برپا شده یا زنان مؤسس آن بوده‌اند یا آنکه در تأسیس آن نهاد نقش بسزایی داشته‌اند. بنابراین مشارکت زیاد زنان در امر خیر گزاره‌ای پذیرفته شده در تمام جهان است. اتفاقاً در کشور ما این قضیه رنگ و بوی بیشتری دارد؛ چراکه به علت ویژگی‌های ملی و مذهبی که کشور ما دارد، رغبت به امر خیر در ایران و از جمله در میان زنان بسیار بیشتر است. جلوه‌ها و نمونه‌های این مشارکت نیز بسیار زیاد است. یعنی شما از کارهای خیریه‌ای کوچک در محیط‌های خانوادگی تا تأسیس نهادهای خیریه‌ای بزرگ، مانند موسسات خیریه، نقش زنان را مشاهده می‌کنید. به عنوان مثال، شما بعد از انقلاب اسلامی می‌بینید که زنان در امر پشتیبانی جنگ و جلب مشارکت‌های

در زمینه حقوقی مجلس شورای اسلامی می‌تواند از دولت درخواست کند که در آیین‌نامه‌های استخدامی مشارکت افراد در امر خیر، مشارکت‌های اجتماعی و کارهای داوطلبانه آنان را مدنظر قرار دهند. در واقع همان‌گونه که اکنون بسیجی بودن عاملی مثبت در اکثر استخدامی‌های دولتی است و اتفاقاً کار مثبتی نیز هست، همان‌گونه نیز مشارکت در امر خیر و کار داوطلبانه دارای امتیاز مثبت باشد.



اجتماعی برای تامین اقلام مورد نیاز جنگ نقش بسیار بسزایی داشتند و در امر خیر وارد می شدند. بعد از جنگ نیز زنان همین نقش را در قالب های مختلف مانند تامین جهیزه نوعروسان، کمک به خانواده های نیازمند، یاری دادن خانواده های نیازمند در بزرگ کردن کودکان یا دیگر اقدامات خیریه ادامه دادند. اما در چند دهه اخیر شکل امور خیریه و سازمان دهی آن دستخوش تغییراتی شده و بیشتر در قالب سازمان های غیردولتی و مردمی نمایان شده است. با این حال، باز مشاهده می کنیم که زنان چه در جهان و چه در ایران جزء پیشگامان تأسیس نهادهای خیریه ای و سمن ها هستند.

**اگر بخواهیم به نقش زنان در امر خیر در کشور خودمان بپردازیم، به نظر شما تا چه اندازه در لایه های مختلف حاکمیتی این نگاه وجود دارد که از توانایی های زنان در امور خیریه و مشارکت های اجتماعی استفاده شود؟**

درباره رویکردهای حاکمیتی نیز باید بگویم که به طور معمول به این صورت است که از حضور زنان در امور خیریه و مشارکت های اجتماعی حمایت و استقبال می شود. اما شاید چون این حمایت بیشتر به صورت مقطعی است، در نتیجه امکان سازمان دهی مناسب برای حضور مؤثرتر و ادامه دار زنان در امور خیریه وجود نداشته است. این موضوع یک آسیب محسوب می شود و نیازمند تغییر است. به عنوان مثال، اکنون که در برخی از مناطق کشور سیل آمده است و حاکمیت نیز به مشارکت مردم در حل بحران نیاز دارد؛ بنابراین به طور طبیعی از نقش و مشارکت زنان نیز استقبال می کند. اما بعد از حل بحران، بیشتر مواقع این گونه است که این جریان متوقف می شود و اغلب به صورت زیرپوستی و در قالب همان نهادهای خیریه ای که زنان خود در آن فعال هستند، ادامه پیدا می کند و حاکمیت چندان کمکی نمی کند. در خصوص چرایی این موضوع باید گفت که اغلب اوقات پس از هر رخدادی مانند سیل یا زلزله و امثال آن، حاکمیت دیگر از بحران عبور کرده است و ضرورتی نمی بیند که از مشارکت زنان استفاده کند. اما این در حالی است که به نظر بنده حتی در شرایط غیربحرانی نیز می توانیم از ظرفیت امر خیر، به ویژه از جانب زنان استفاده کنیم و نباید آن را تنها به بحران هایی مانند سیل و زلزله محدود کرد. رواج امر خیر در هر جامعه ای نشان دهنده بلوغ فرهنگی آن جامعه است. امروزه مشاهده می کنیم که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان هنگامی که شما قصد داشته باشید در جایی مشغول به کار شوید، از شما می پرسند که چند سال کار داوطلبانه انجام داده اید یا تا چه اندازه در کارهای خیریه مشارکت کرده اید. اما در کشور ما متأسفانه این گونه نیست. این در





حالی است که فرهنگ انجام کارهای خیریه در بین هم‌وطنان ما به‌طور کامل نهادینه شده است و وجود دارد. اما چون این کار قاعده‌مند نشده است و تنها در مواقع بحرانی از آن استفاده می‌کنیم، جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. از همین رو بنده اعتقاد دارم که حاکمیت در این زمینه باید به گونه دیگری نگاه بکند. به‌عنوان مثال، در زمینه حقوقی مجلس شورای اسلامی می‌تواند از دولت درخواست کند که در آیین‌نامه‌های استخدامی مشارکت افراد در امر خیر، مشارکت‌های اجتماعی و کارهای داوطلبانه آنان را مدنظر قرار دهند. در واقع همان‌گونه که اکنون بسیجی بودن عاملی مثبت در اکثر استخدامی‌های دولتی است و اتفاقاً کار مثبتی نیز هست، همان‌گونه نیز مشارکت در امر خیر و کار داوطلبانه دارای امتیاز مثبت باشد. در واقع باید تک‌تک افراد جامعه یاد بگیرند که بدون دریافت دستمزد و برای اعتلای جامعه کار کنند و با امر خیر و مشارکت اجتماعی آشنا شوند. به اعتقاد بنده امور خیریه در درون جامعه منشأ تعامل، نعمت و همبستگی ملی است و اعتماد را در بین لایه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. در یک کلام امر خیر باعث می‌شود که افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کنند و به مشکلات یکدیگر بی‌تفاوت نباشند.

**اگر بخواهیم به دیدگاه دولت‌های مختلف به ورود زنان در امر خیر بپردازیم، آیا در دولت‌های مختلف نگاه متفاوت نسبت به استفاده از ظرفیت‌های زنان در گستره نیکوکاری وجود داشته است یا همه آنان رویکرد یکسانی را در پیش گرفته‌اند؟**

به‌طور کلی نگاه دولت‌های مختلف به امر خیر به صورت عام، جزء در دولت اصلاحات تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته است. در دولت اصلاحات از طریق فعال‌سازی تشکل‌های غیردولتی و سمن‌ها جریانی شکل گرفت که در آن سمن‌ها توانستند جای خود را باز کنند و توسعه پیدا کنند. در واقع با این کار همان امور خیریه که در گذشته نیز وجود داشت، در قالب سازمان‌دهی جدید که بیشتر از طریق سمن‌ها بود، نمایان شد. تا قبل از این کار، امور خیریه در کشور بیش از حد بدون سازمان‌دهی و بی‌قاعده بود. اما بعد از دولت اصلاحات این موضوع تا حد درخور توجهی سامان‌دهی شد. بنابراین من فقط در زمان اصلاحات این تفاوت نگاه را تا حدودی مشاهده کردم. اما این تفاوت نگاه و سازمان‌دهی کردن امور خیریه باعث شد تا زنان زیادی در سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی که اشکال مدرن امر خیر بودند، عضویت پیدا کنند و به فعالیت بپردازند. اگر اشتباه نکنم بعد از سازمان‌دهی کردن امر خیر در آن زمان، تشکل‌های غیردولتی در حیطه زنان، حدود سه الی چهار برابر شد که اتفاق بسیار مثبتی بود. در دولت‌های



معتقدم که حاکمیت باید از ظرفیت بخش غیردولتی و مردمی در تمام بخش‌ها استفاده کند تا بتواند امر داوطلبانگی و خیر را در جامعه گسترش دهد. زنان در این زمینه پیشگام هستند. می‌توانند به تقویت جریان خیر در جامعه کمک کنند.

بعد، این نگاه همواره دچار افت و خیز بود و مانند سابق نبود. به طور کلی معتقد هستم که حاکمیت باید از ظرفیت بخش غیردولتی و مردمی در تمام بخش‌ها استفاده کند تا بتواند امر داوطلبانگی و خیر را در جامعه گسترش دهد. زنان در این زمینه به علت آنکه در اکثر نقاط جهان پیشگام هستند، می‌توانند به تقویت جریان خیر در جامعه کمک کنند.

اکنون در جامعه به روش‌های مختلف می‌توان به امرخیر وارد شد. در این باره اگر زنان بخواهند به گستره نیکوکاری وارد شوند، به نظر شما بهتر است این ورود به چه شکلی صورت بگیرد؟

در قالب تأسیس سمن و سازمان غیردولتی مشارکت کنند یا به روشی دیگر؟

به نظرم هر اندازه که این حوزه از حالت فردی خارج شود و حالت سازمانی و قاعده‌مند به خود بگیرد، امکان خدمات‌رسانی به جامعه و سازمان‌دهی خود امر خیر نیز بهتر می‌شود. بنابراین ما باید تلاش کنیم که امور پراکنده و مختلف امرخیر را سازمان‌دهی کنیم تا به مقصد نهایی خود که همان برطرف کردن نیاز اساسی جامعه است، برسیم. بر طبق همین قاعده، حوزه زنان نیز باید این راه را در پیش بگیرد و به سمت کارهای سازمانی و قاعده‌مند پیش برود.

حوزه‌ها و زمینه‌های مختلفی در جامعه وجود دارد که می‌توان برای امرخیر به آنها ورود کرد. به نظر شما چه حوزه‌هایی برای فعالیت و ورود زنان مناسب‌تر است؟

به نظرم اکثر زمینه‌ها برای فعالیت زنان در امور خیریه مناسب است. به عنوان مثال، از حوزه‌های محیط زیستی تا توانمندسازی زنان، کارآفرینی زنان، رفع مشکلات معلولان و توانیابان، موضوع کودکان کار و زنان سرپرست خانوار از جمله حوزه‌هایی در جامعه هستند که زنان می‌توانند به آن ورود کنند. به اعتقاد بنده زنان زیادی در جامعه وجود دارند که تمایل به انجام کار خیر دارند؛ اما نمی‌دانند که به چه صورتی اقدام کنند. بهتر است این افراد به سمت سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی بروند و این سازمان‌ها نیز به نظرم ظرفیت پذیرش این افراد را که اغلب خوش فکر و دارای ایده هستند، دارند.

اگر بخواهیم به تفاوت ورود زنان به امور خیر در ایران با سایر کشور بپردازیم، آیا در این خصوص تفاوت خاصی بین ایران و سایر کشورها وجود دارد؟



بینید به نظرم زنان در کشور ما تمایل خوبی برای انجام کارهای خیریه‌ای دارند و از این لحاظ کشورمان ظرفیت خوبی دارد. اما به نظرم هر اندازه که زنان بتوانند به صورت محلی به امر خیر ورود کنند، بهتر خواهد بود تا آنکه بخواهند به صورت منطقه‌ای یا کشوری فعالیت کنند. چراکه اگر به صورت محلی فعالیت کنند، بهتر می‌توانند با جوامع هدف ارتباط برقرار کنند. این موضوع را از آن جهت می‌گویم که زنان مسئولیت‌های متعددی نسبت به خانواده و فرزندان خود دارند. بنابراین هر اندازه که شبکه‌ای اقدام کنند و در محله‌ها فعالیت کنند، امکان عرضه خدمات از سمت زنان به جوامع هدف بیشتر خواهد بود.

**اغلب اقتدار مختلف برای ورود به گستره نیکوکاری دچار اشتباهاتی می‌شوند یا آنکه یک سری آسیب‌های پرتکرار برای ورود به امر خیر در برخی حوزه‌ها وجود دارد. آیا در ورود زنان به امر خیر این اشتباهات پرتکرار وجود دارد؟**

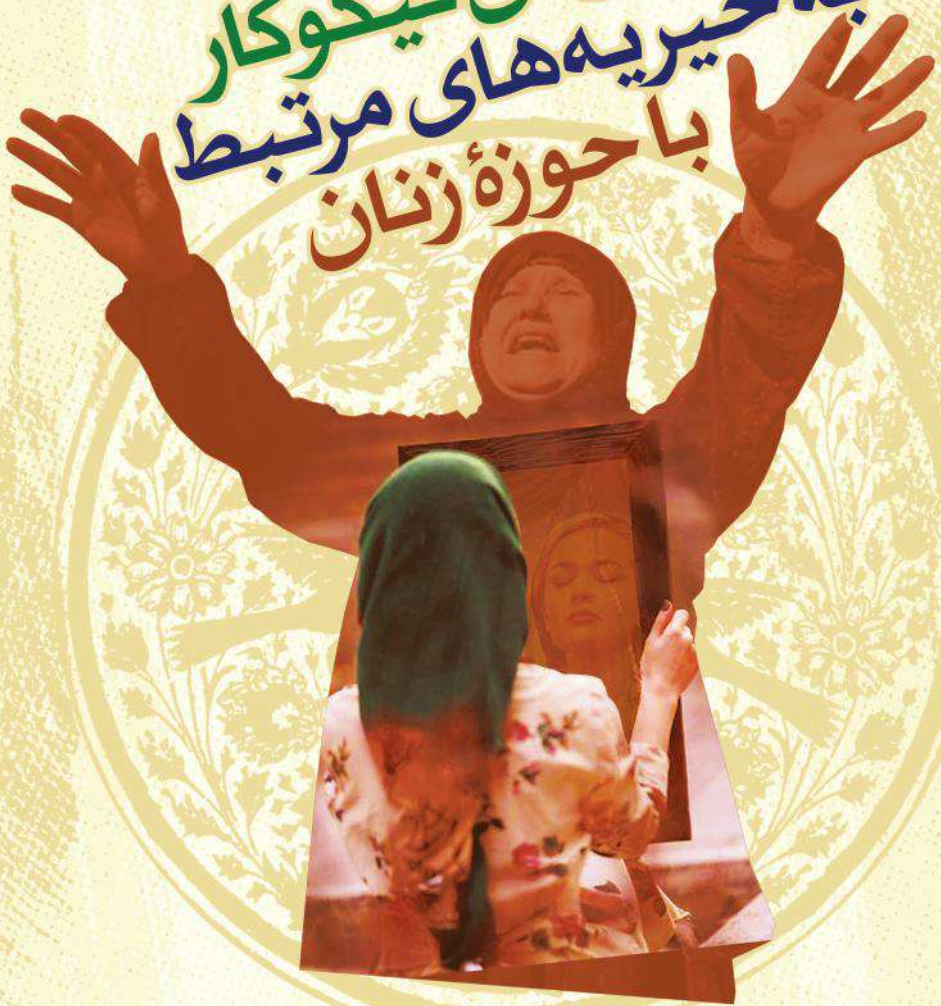
فکر نمی‌کنم که آسیب خاصی داشته باشد؛ اما قطعاً انجام کار خیر نیز در هر زمینه‌ای که باشد، نیاز به مهارت خاص خود دارد. نباید فراموش کرد که ما در انجام امر خیر نیاز به ارتباط‌گیری با افرادی داریم که همانند ما قصد انجام کار خیر دارند. همچنین نیاز به مهارت‌هایی داریم که بتوانیم توانایی‌های خودمان را به مرحله اجرایی برسانیم. به طور کل به اعتقاد بنده ما در زمینه ورود به امر خیر، نیازمند آموزش پیش از اقدام هستیم و این نیاز در سراسر کشور و در تمام حوزه‌ها احساس می‌شود که حیطه زنان نیز از آن مستثنا نیست. در واقع اگر آسیبی نیز وجود داشته باشد، از این ناحیه خواهد بود. یعنی وقتی که ما هیچ آموزشی برای انجام امر خیر ندیده‌ایم؛ اما قصد انجام کار خیر نیز داریم، در واقع مصداق

همان ضرب‌المثل فارسی است که می‌خواهیم ابروی فردی را درست کنیم؛ اما چشمش را کور می‌کنیم. نیاز به این آموزش به ویژه هنگامی که می‌خواهیم دایره فعالیت خودمان را گسترده‌تر کنیم، بیشتر احساس می‌شود. در واقع با آموزش می‌توانیم هم ظرفیت‌های خودمان را شناسایی کنیم و هم می‌توانیم این ظرفیت‌ها را در مسیر درست و مناسب خود به اقدام برسانیم. نکته آخر آنکه توانایی انجام کار گروهی در امور خیریه و مشارکت‌های اجتماعی یک مهارت لازم است که باید افراد آن را کسب کنند.

رواج امر خیر در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده بلوغ فرهنگی آن جامعه است. حتی در شرایط غیر بحرانی نیز می‌توان از ظرفیت امر خیر، به ویژه از جانب زنان استفاده کرد و نباید آن را تنها به بحران‌هایی مانند سیل و زلزله محدود کرد.

سارا آقابابا

# کمک زنان نیکوکار به خیریه‌های مرتبط با حوزه زنان





مشارکت اجتماعی زنان در قرن اخیر به صورت چشمگیری افزایش یافته است. با وجود پژوهش‌های متعدد خارجی، پرداختن به این موضوع در داخل کشور کمتر بوده است. البته که همچنان پرسش‌هایی در این زمینه مطرح است. این مقاله درصدد است با بررسی اسناد ثانویه به برخی از این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. زمینه مشارکت اجتماعی زنان و مبانی کمک زنان به مؤسسات خیریه چگونه است؛

۲. انگیزه‌های زنان در کمک به خیریه‌های مرتبط با حوزه زنان چیست؛

۳. موانع حمایت از زنان و دختران از طرف خود زنان چیست؛

۴. فهرست موضوعات مرتبط با حوزه زنان کدامند؟

## مقدمه

جنبش‌های اجتماعی زنان از قرن ۲۱ به پدیده معنی‌داری تبدیل شده است. در واقع مشارکت اجتماعی زنان در مقایسه با قرن گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است. یکی از این قبیل جنبش‌ها در موضوع امر خیر تبلیور یافته است. در سال‌های اخیر کمک‌های خیریه با موضوعات زنان و دختران به حیطة فعالی برای جمع‌آوری کمک‌ها در سطوح فردی، بنیادها و شرکت‌ها تبدیل شده است. در سطح فردی، نیکوکاران هریک، اهداکنندگان فعالی هستند که در بنیادهای خیریه زنان و سازمان‌های ارائه خدمت به زنان فعالیت می‌کنند. برای نمونه، بیش از ۲۵۰ عضو از «زنان حرکت دهنده میلیونی»<sup>۱</sup> در جمع‌آوری بیش از ۶۰۰ میلیون دلار کمک برای موضوعاتی که زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مشارکت کرده‌اند. در واقع، تلاش‌های آنها بخشی از جنبش اجتماعی دستیابی به حقوق زنان و برابری جنسیتی به شمار می‌آید. شواهد فزاینده‌ای حاکی از آن است که پرداختن به موضوع زنان موجی را میان خانوارها، جوامع و حتی کشورها، برای رشد این کمک‌ها برانگیخته است. این در حالی است که زنان به عنوان قدرتمندترین موتور محرکه توسعه جهانی قلمداد شده‌اند و از پایه بدون حضور این نیمی از جمعیت، جامعه روی توسعه را به خود نخواهد دید و از توانایی‌هایشان محروم خواهد ماند.

در کشورهای توسعه‌یافته، بستر مناسبی برای حضور زنان در اجتماع فراهم شده است. برای نمونه در کشورهایی مانند کانادا و هلند سرمایه‌گذاری‌های گسترده در راستای توانمندسازی زنان صورت گرفته است و مؤسسات غیردولتی و خیریه فراوانی با حضور و مشارکت فعالانه زنان ایجاد شده‌اند. امروزه بیش از ۱۰۰ صندوق در سرتاسر دنیا پژوهانه‌های پژوهشی را در حوزه‌های امنیت اقتصادی زنان، سلامت باروری و دیگر موضوعات مرتبط با این حیطة اعطا می‌کنند. با وجود آنکه موضوعات

تفاوت میان انگیزه‌های دو جنس زن و مرد در اهدا و میزان آن به عوامل مختلفی همچون فرهنگ، میزان مشارکت زنان در جامعه، استقلال زنان در جامعه، آزادی زنان، همگامی ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها بستگی دارد.

مرتبط با زنان و دختران به مباحث مهم پژوهش‌های سیاست‌گذاری‌های عمومی و توسعه جهانی تبدیل شده است؛ اما کمک‌های انسان‌دوستانه به زنان و دختران هنوز ابرباقی مانده است. در این راستا اطلاعات اندکی در خصوص نیکوکارانی وجود دارد که خیریه‌های مرتبط با حوزه زنان را حمایت کرده‌اند. این فقرآمار و اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، با وجود بستر ضعیف دانشی، بیشتر خودنمایی می‌کند. در مجموع، در بیشتر پژوهش‌ها تمرکز بر نوع مؤسسه‌ها از قبیل آموزشی، خدمات انسانی، حوزه سلامت، محیط زیست، مذهب، هنر، فرهنگ و نظایر آن است و حوزه زنان و دختران کمتر مدنظر بوده

است. با وجود این کم‌توجهی‌ها، همچنان کمک‌های باارزشی از سراسر دنیا به این عرصه می‌شود؛ برای مثال، شبکه ملی صندوق‌های زنان<sup>۲</sup> با ۹ عضو، در سال ۲۰۰۰ میلادی تأسیس شده است و به ۴۲ عضو در سراسر دنیا در سال ۲۰۱۴ ارتقا یافته است. اما مرور متون امر خیر در سطح جهانی حاکی از تفاوت‌های جنسیتی در امر خیر است، به این مفهوم که زنان تمایل بیشتری به اهدا و کمک دارند، در حالی که مردان مبالغ بیشتری را به خیریه کمک می‌کنند. همچنین یافته‌های پژوهش‌ها مبین آن است که زنان تمایل بیشتری به حضور و کمک در خیریه‌های مرتبط با سلامت دارند. موضوع جنسیت در امر خیر تا حدی دارای اهمیت است که گزارش شاخص جهانی بخشش، به تفکیک سن و جنسیت منتشر می‌شود. در این گزارش حیطه کمک‌های مالی، کمک‌های داوطلبانه و کمک به افراد غریبه در ۱۴۵ کشور دنیا به تفصیل عرضه می‌شود. جدیدترین یافته‌های این مستند آشکار می‌کند که در کشورهایی که توسعه نیروی انسانی و همچنین برابری‌های جنسیتی در رده بالای جهانی قرار دارند، نظیر سوئد، نیوزیلند و نروژ، زنان تمایل بیشتری برای اهدای مالی داشته‌اند. متأسفانه در جدیدترین رده‌بندی در سال ۲۰۱۸ ایران از رتبه ۱۷ به رتبه ۲۹ تنزل کرده است که احتمال می‌رود از علت‌های آن وضعیت اقتصادی و وضع تحریم‌ها باشد.

در مطالعات داخل کشور، از موضوع مشارکت زنان در امر خیر، پژوهشگران چندان اقبال نکرده‌اند؛ اما تاریخچه مطالعات این حوزه بیانگر آن است که ایجاد و گسترش مؤسسه‌های خیریه نوین در دوره مشروطه پایه‌گذاری شد و شمار زیادی از زنان با برپایی انجمن‌ها و جمعیت‌های مخصوص بانوان، موجودیت خود را در این دوران

1. Women Moving Millions
2. International Network of Women's Funds



اعلام کردند. برخی پژوهش‌ها مشارکت‌های مذهبی و خیریه‌ای را به‌عنوان یکی از انواع مشارکت زنان در کشور معرفی کرده‌اند. در پژوهشی دیگر، مشارکت اجتماعی زنان و به‌ویژه مشارکت محلی و خیریه‌ای ارتباط مستقیم و معناداری با رفاه اجتماعی خانواده داشته است. در این مطالعه از مصادیق مشارکت خیریه‌ای فعالیت فرد در سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) و اهدای صدقه، انفاق، شرکت در جشن‌های نیکوکاری مانند جشن عاطفه‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه و نظایر آن عنوان شده است. آقابابا و همکاران در مطالعه‌ای برای شناسایی نیکوکاران در نظام سلامت ایران اذعان کرده‌اند که جنسیت بالاترین امتیاز عامل غیرمالی در تشخیص ویژگی‌های نیکوکاران را به خود اختصاص داده است. به این معنا که مهم‌ترین عامل در تحلیل عاملی برای کمک به مؤسسات خیریه در شناسایی خیران جنسیتشان بوده است. این مطالعه تحلیل کرده است که زنان تمایل بیشتری در کمک به مؤسسات خیریه حوزه سلامت نشان داده‌اند. از آنجایی که ورود محتوای علمی در گستره نیکوکاری بسیار کند به پیش رفته است، انتظار نمی‌رود در ارتباط نیکوکاری و زنان نیز با تورم مطالعات در داخل کشور روبرو باشیم. روی هم رفته رویکرد زنان ایرانی نسبت به فعالیت در امر خیر مثبت است و مشارکت اجتماعی زنان در خیریه‌های مرتبط با زنان نیز چشمگیر است، به طوری که فعالیت داوطلبانه زنان در گزارش مرکز آمار ایران، سه برابر مردان ذکر شده است.

## انگیزه اصلی برای کمک زنان به خیریه‌های حوزه زنان

بررسی انگیزه‌های اصلی برای ورود به این حوزه، چراغ راهنمای سیاست‌گذار و فعالان وادی نیکوکاری است. در مطالعات، به برخی از ریشه‌های آن پرداخته شده است:

۱. پژوهش‌های گذشته انگیزه زنان آمریکایی و هلندی برای کمک به خیریه‌ها را احساس همدلی آنان عنوان کرده‌اند. این موضوع اخلاقی یکی از درگیری‌های ذهنی زنان به شمار می‌آید که سازوکارهای روان‌شناسانه دارد و موتور محرکه حمایت زنان از مؤسسات خیریه محسوب می‌شود. این موضوع تحت عنوان «لذت همدلی»<sup>۳</sup> هم معرفی می‌شود.

۲. تمایل زنان به پراکنده کردن منابع مالی‌شان در میان سازمان‌های مختلف خیریه زنان یکی از انگیزه‌های آنها تلقی می‌شود که در نهایت دلیلی بر احساس همدلی آنهاست.

۳. کمک‌های خیریه براساس تجربه‌های شخصی به عنوان زن، یکی از انگیزاننده‌های کمک به شمار می‌آید. زنانی که دارای فرزند و به‌طور مشخص دختر هستند، انگیزه بیشتری برای حمایت از خیریه‌های حوزه زنان و تلاش برای رونق آنها دارند. در واقع هدف آنها ساختن دنیایی بهتر برای دختران و حمایت از حقوق و فرصت‌های برابر برای دختران است. بسیاری از زنان تجربه‌های نابرابری‌های جنسیتی را به عنوان زن و مادر تجربه کرده‌اند؛ بنابراین بسیار تمایل دارند که به فرزندان خود فرصت‌های برابر بدهند. بیشتر زنان تجربه تبعیض را در مسیر شغلی خود تجربه کرده‌اند. این تجربیات شامل دریافتی کمتر نسبت به مردان، فرصت‌های کمتر برای کسب موقعیت‌های شغلی و نقش‌های متفاوت در مسیر شغلی، در معرض رفتارهای متفاوت بودن نسبت به مردان و نظایر آن است.

۴. اعتقاد زنان به رابطه بین حمایت از برابری زنان و پیشرفت اجتماعی، انگیزه‌ای برای ورود آنها به این حوزه است. به‌طور کلی زنان به موضوعات اجتماعی حساسیت بیشتری دارند و علاقه‌مندترند. بسیاری از زنان انگیزه خود را از حمایت خیریه‌های حیطه زنان، نیاز به داشتن فرصت‌های برابر در سطوح اجتماعی عنوان کرده‌اند که در حقیقت انعکاسی از باورهای زنان است. به‌واقع بسیاری از زنان با هدف توانمندسازی و آموزش زنان برای کسب جایگاه اجتماعی بهتر، به این قبیل مؤسسات خیریه کمک می‌کنند.

۵. درک اثربخشی سازمانی و رهبری، از محرک‌های مشارکت اجتماعی زنان در گستره نیکوکاری است. زمانی که زنان کارایی سازمانی را که به آن کمک کرده‌اند، به آشکار مشاهده می‌کنند و تغییر را در عملکرد آنها لمس می‌کنند، میزان کمک را افزایش می‌دهند.



ویژگی‌های سازمانی از انگیزاننده‌هایی است که مشارکت نیکوکاران زن را در طول زمان مداومت می‌بخشد. در واقع سازمان‌ها و رسالت آنها، رهبری شفاف، تعهد آنها به حمایت‌طلبی و باور به سازمان‌های آینده، خوددلیلی بر حمایت از این خیریه‌ها است. ۶. تفاوت میان انگیزه‌های دو جنس زن و مرد در اهدا و میزان آن به عوامل مختلفی همچون فرهنگ، میزان مشارکت زنان در جامعه، میزان استقلال زنان در جامعه، میزان آزادی زنان، همگامی زنان در رشد اقتصادی و به طور کلی ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها بستگی دارد.

### موانع حضور و مشارکت زنان

پژوهش در خصوص رفتار مشارکتی، از جمله رفتار مشارکت اجتماعی، در زمینه‌هایی شامل موارد قانونی، عرفی، مکانی، زمانی و اقتصادی صورت می‌گیرد. این زمینه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده محدودیت‌ها و موانع مشارکت اجتماعی زنان باشند، همچنین می‌تواند تمایل به مشارکت یا تحقیق رفتار واقعی مشارکت را تحت تأثیر قرار دهند. در این راستا محدودیت‌های ساختاری (شامل محدودیت‌های قانونی و...)، خانوادگی (امور خانوادگی و اقتصادی و کاری و...) و سنتی (موافق نبودن همسر یا پدر و...) از موانع مشارکت اجتماعی زنان عنوان شده است.

بیشتر، مشارکت و حضور زنان در خیریه‌هایی با موضوعات بیماری‌های زنان از قبیل پژوهش، تشخیص و حمایت از سرطان و بیماری‌های درمان‌ناپذیر، خشونت‌های خانگی، بیکاری زنان و بی‌خانمانی و نظیر آن نوعی فشار عصبی بر زنان ایجاد می‌کند. بنابراین این خوددلیلی برای کم‌رنگ شدن حضور

زنان در این قبیل مؤسسات محسوب می‌شود. متأسفانه انقیاد، به معنی تحت‌قیدوبند درآوردن، نیز یکی از موانع حضور زنان در مؤسسات خیریه و دریافت کمک از این مؤسسات به شمار می‌آید. نگرش جامعه و نیکوکاران و سازمان‌های حمایتی، از زنان به عنوان عضو منفعل اقتصادی، یکی دیگر از موانع حضور در این مؤسسات و حتی دریافت حمایت از این قبیل مؤسسات است. البته باید توجه کرد که برخی محدودیت‌های زیستی، همچون زمان بارداری، شیردهی و... می‌تواند حضور تمام مدت زنان را با خلل مواجه سازد.

«احساس همدلی» یکی از درگیری‌های ذهنی زنان به شمار می‌آید که سازوکارهای روان‌شناسانه دارد و موتور محرکه حمایت زنان از مؤسسات محسوب می‌شود. این موضوع تحت عنوان «لذت همدلی» هم معرفی می‌شود.

در هر صورت حمایت‌های قانونی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند حضور پررنگ زنان را در اجتماع تسهیل کند و از سویی دیگر با برخی حمایت‌ها می‌توان نیروی نهفته زنان را به سمت کمک آنها به خیریه‌های مرتبط با زنان هدایت کرد.

### فهرست موضوعات مرتبط با حوزه زنان

با توجه به شرایط کشورها و فرهنگ حاکم بر جامعه، انواع خیریه‌های مرتبط با حوزه زنان، با اهداف و کارکردهای گوناگون فعالیت می‌کنند. برخی از آنها با توجه به جمعیت هدف عبارت‌اند از:

۱. خشونت‌های خانگی زنان؛
۲. سلامت و درمان زنان؛
۳. مراکز نگهداری و اسکان زنان؛
۴. زنان مهاجر و پناهنده؛
۵. قاچاق انسان و آزارهای جنسی و بهره‌برداری از زنان؛
۶. توان بخشی مجرمان زن؛
۷. برابری جنسیتی و حقوق زنان؛
۸. حمایت طلبی برای حقوق جنسی و باروری زنان؛
۹. خدمات عمومی سلامت (نظیر ارائه خدمات سلامت روان)؛
۱۰. فرصت‌های اقتصادی برای زنان و دختران؛
۱۱. آموزش و توانمندسازی زنان.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های اغلب پژوهش‌ها حاکی از آن است که زنان سخاوتمندتر از مردان هستند؛ اما جزئیات سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مانند سن، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، میزان درآمد، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و برخی عوامل دیگر تأثیر بسزایی در میزان مشارکت زنان در امور خیریه دارد. علاوه بر آن، بررسی‌های اصلی برای ورود به این حوزه، می‌تواند چراغ راهنمای سیاست‌گذار و فعالان گستره نیکوکاری باشد. این در حالی است که بررسی موانع این مشارکت نیز تأثیر مطلوبی در مدیریت این وادی ایفا می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد پژوهش‌هایی که بتواند عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان در امور خیریه را تبیین کند، در داخل کشور ضروری است. با توجه به مطالعات انجام شده در خارج از کشور این عوامل می‌توانند در قالب عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بررسی شود.

